

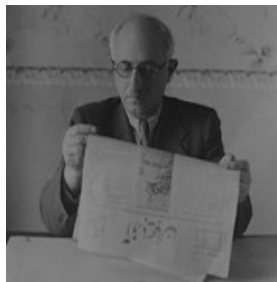
آذربایجان

هفتادمین سالگرد جنبش ۲۱ آذر

دوره پنجم شماره ۱۱۹ آذر ۱۳۹۴

ناشر افکار فرقه دموکرات آذربایجان

قسمتی از نطق آتشین سید جعفر پیشه وری



پیرامون علل تشکیل حکومت خود مختار در آذربایجان

یکی از بزرگترین آرزوهای ما باسواد شدن عموم خلق است. یک خلق با سواد و تندرست در برابر ستم و فشار سر خم نمی کند. باید جوانان مان را با این روحیه تربیت کنیم. اگر می خواهی افتخار و شرف بدست آوری، به خلق خدمت کن. این را همه بای بداندند و مزه افتخار ناشی از این کار را بچشند. ما می توانیم از تاریخ خیلی حرف بزنیم. گذشته ما سرشار از افتخار است. ولی این کافی نیست. افتخار و شرف را باید خودمان با دستان خود بچنگ آوریم. سخن حکیمانه سعدی باید درس عبرتی برای ما باشد

21: میراث پدر خواهی علم پدر آموز، کاین مال پدر خرج توان کرد به ده روز ما نمی توانیم تلاش های پدران خود را سرمایه خودمان قرار دهیم و خرج کنیم تا تمام شود. به جای آن باید از شجاعت، رشادت و فداکاری آن ها تقلید کنیم، راه آن ها را دنبال کنیم و مانند آن ها خود به افتخار و شرف نائل شویم. یکی از مسائل مهم که فکر ما را بخود مشغول می کند، مسئله زبان است. مسئله زبان یکی از مسائل بسیار مهم و اساسی برای ما آذربایجانی هاست. مسئله فرهنگ را نمی توان با لاقیدی از سر باز کرد. زیرا حیات ملت وابسته به آن است. بدبختانه تا به امروز اداره کنندگان کشور این موضوع را سرسری گرفته و اهمیتی به آن نداده اند. تحمیل یک زبان بیگانه به یک کودک شش- هفت ساله که تازه به حرف زدن افتاده، یک جنایت است. متخصصین تعلیم و تربیت عصبانیت اکثر آذربایجانیان را نتیجه این موضوع می دانند. ممنوعیت خواندن و نوشتن به زبان مادری به معنی جلوگیری از تکامل فرهنگ است. هنوز هم واعظ های ما در مسجد و منبر مردم را با زبان مفهوم مردم، یعنی با زبان ترکی به انجام فرایض دینی فرا می خوانند. چه قباحتی اینجا هست؟ چرا از یک زبان می شود در منبر استفاده کرد ولی در مدرسه نه؟ آنچه ما می خواهیم حقوق داخلی و مختاریت فرهنگی است. مسئله زبان جزئی از این [مختاریت] است. ما همانطور که در بیانیه مان گفته ایم، در فکر آن هستیم که امور خانه خود را خود اداره کنیم و در این راه با تمام نیرو تلاش خواهیم کرد."

حل مسئله ملی در ایران

ضرورت مبرم و تاخیر ناپذیر است

مسائل ملی در کشور ما البته بغرنج است و هنوز کار زیادی برای بررسی آن در پیش داریم. ولی این، به آن معنا نیست که کاری نشده یا خطوط اساسی مسئله روشن نشده است. ادامه درص ۴

اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

به مناسبت هفتادمین سالگرد جنبش 21 آذر

هموطنان گرامی!

70 سال قبل در چنین روزی خلق آذربایجان به رهبری فرقه دمکرات آذربایجان و سید جعفر پیشه وری اولین حکومت خود مختار در تاریخ ایران را در اراضی آذربایجان تشکیل داده و جنبش 21 آذر را بنیان نهادند.

در تاریخ معاصر میهنمان ایران، ساکنین آذربایجان همواره در جبهه مقدم مبارزه آزادی خواهی خلقهای ایران علیه استبداد حکومت مرکزی قرار داشته اند. قیام ستارخان علیه استبداد صغیر جنبش مشروطیت را احیاء نمود. شیخ محمد خیابانی در ادامه جنبش مشروطیت و برای تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی به پا خاست. در واپسین ماههای جنگ جهانی دوم که خلق آذربایجان در فقر مطلق به سر می برد و همچون دیگر خلقهای ساکن میهنمان از حقوق ملی محروم بود و با ظلم و استبداد خان های محلی و حکومت مرکزی دست به گریبان بود، پیشه وری و یارانش با توجه به تناسب قوای نیروهای سیاسی داخلی و خارجی و ضعف حکومت مرکزی و حامیان غربی آن، با انتشار بیانیه 12 شهریور و بر اساس تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی مصرح شده در قانون اساسی مشروطیت، تاسیس فرقه دمکرات آذربایجان را برای مبارزه در راه آزادی آذربایجان و..... ادامه درص ۲

در این شماره

روز دانشجو گرامی باد!	ص ۵
به مناسبت نود و هفتمین	ص ۸
آذربایجان دموکرات فیرقه سی نین پروگرامی	ص ۱۰
ینتمیش پیلله کان شعر	ص ۱۶
نگاهی به تحولات سیاسی	ص ۱۹

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

اعلامیه کمیته مرکزی....

تحقق حکومت ملی خود مختار آذربایجان در چارچوب ایران واحد اعلام نمودند.

استقبال بی نظیر ساکنین آذربایجان، کارگران و دهقانان محروم، پیشه وران، زنان و جوانان، و حتی بخشهایی از روحانیون و ملاکین ملی و روشن بین و وطن پرست، به سرعت زمینه تشکیل حکومت ملی خود مختار آذربایجان را فراهم نمود. انتخابات محلی برای تشکیل انجمنهای ده، بخش و شهرها زیر نظر کمیته های مردمی برگزار گردید.

سرانجام مجلس ملی نمایندگان آذربایجان در روز 21 آذر سال 1324 شمسی با حضور نمایندگان منتخب رسماً گشایش یافت و میرزا علی شبستری را به ریاست مجلس برگزید. مجلس ملی اولین دولت ملی آذربایجان را تعیین نموده و مبارز قاطع و با تجربه ای از سلاله ستارخان و حیدر عموغلی، سید جعفر پیشه وری را به عنوان نخست وزیر حکومت ملی آذربایجان انتخاب کرد.

جنبش ملی 21 آذر و حکومت ملی و خود مختار آذربایجان در مدت یک سال منشاء خدمات و اصلاحات بسیاری برای اهالی آذربایجان بود که علی رغم گذشت 70 سال، هنوز هم مهمترین آنها در برنامه مبارزاتی خلقهای ایران جای دارد. حکومت ملی به سرعت در جهت اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در راستای تامین عدالت اجتماعی و به ویژه منافع دهقانان و کارگران و دیگر زحمتکشان و زنان و جوانان اقدام نمود. زبان مادری آذربایجانی در کنار زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و اداری اعلام گردید و تدریس آن در مدارس آغاز شد. کلاسهای سواد آموزی و دانشگاه و مراکز تربیت معلم و ایستگاه رادیو به زبان آذربایجانی تاسیس گردید. اراضی خالصه و زمینهای زراعی فنودالهای مرتجع که به دشمنی با حکومت خلق برخاسته بودند میان دهقانان بی زمین تقسیم گردید. مناسبات میان دیگر ملاکین و دهقانان نیز به شکل عادلانه تنظیم گردید. حدود یک میلیون دهقان صاحب زمین شدند. قانون کار مترقی تصویب و 8 ساعت کار و آزادی فعالیت سندیکاها و تشکل های صنفی به اجرا گذارده شد. از محل مالیاتها و عوارض دولتی اقدامات عمرانی در شهرها و روستاها و راه سازی انجام گرفت. زنان از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن برخوردار گردیده و مادران تحت پوشش حمایتهای دولتی قرار گرفتند.

جنبش ملی 21 آذر و حکومت ملی و خود مختار آذربایجان خود را بخش جدائی ناپذیری از جنبش سراسری خلقهای ایران می دانست و با مبارزه دلیرانه خود می خواست آذربایجان را که از نظر تاریخی پرچمدار انقلاب مشروطیت محسوب می شود، به پایگاه مطمئنی برای نبرد سراسری مردم ایران علیه استبداد حکومت مرکزی ایران در جهت تحقق آزادی و دمکراسی و عدالت اجتماعی تبدیل کند. هم از این رو بود که جنبش دمکراتیک 21 آذر علاوه بر اینکه حمایت

وسیع ترین طبقات و اقشار اجتماعی و توده های زحمتکش خلق آذربایجان با خود داشت، از همیاری و همبستگی همه نیروهای ملی و مترقی سراسری و دیگر خلقهای میهنمان ایران و نیز دیگر نیروهای مترقی و خلقی خارجی برخوردار بود. نیروهای نظیر حزب توده ایران، حزب جنگل، حزب سوسیالیست، حزب دمکرات کردستان، حزب ایران و شخصیتهای ملی گوناگون و حتی دکتر مصدق در جهت همبستگی و تأیید حرکت جنبش 21 آذر موضع گیری نمودند.

به عنوان «مشتی نمونه خروار» سر مقاله روزنامه «جبهه» ارگان حزب ایران در سرمقاله شماره 258 خود در سال 1325 چنین نوشته بود: «...نهضت آذربایجان آزادی خواه، اصلاح طلب و مترقی است. در آذربایجان املاک(فنودالها) را تقسیم می کنند. تمام عملیات در جهت ترقی دادن سطح زندگی دهقانان انجام می گیرد. در آذربایجان در عرض یک سال 500 مدرسه می سازند. بیمارستانهای متعدد ساختند. دانشگاه تشکیل می دهند. کودکان و تیمارگاه آماده می کنند. در بالا بردن سطح دانش اهالی کوشش فراوان مرعی می دارند. با تمام قوا راهها را تعمیر کرده و خیابانها را آسفالت می کنند. از ناامنی جلوگیری کرده و در مقابل فساد به سختی مبارزه می نمایند. رهبران نهضت آذربایجان از آزادی خواهان مبارز قدیمی هستند که اغلب اهل فضل و دانش اند...».

اصلاحات عمیق اجتماعی و اقتصادی در آذربایجان در جهت تحکیم آزادی و دمکراسی و عدالت اجتماعی که سرمشقی برای دیگر خلقهای ایران گشته بود، حکومت مرتجع مرکزی ایران و امپریالیستهای انگلیس و آمریکا را به شدت وحشت زده کرده بود. دولت مرکزی از یک طرف با حمایت بی دریغ آمریکا و انگلیس جنگ روانی شدیدی علیه حکومت خود مختار آذربایجان به راه انداخته بود و با همین حمایتها پرونده آذربایجان را که موضوعی داخلی بود، تحت عنوان دروغین ادامه اشغال آن توسط ارتش شوروی و خطر تجزیه ایران به دآوری سازمان ملل تازه تاسیس شده برد. از طرف دیگر با باز گذاشتن دست گروههای مسلح فنودالهای مرتجع محلی و متواری و کمک به آنها در حملات به اراضی حکومت ملی در جهت ناامنی و قتل اهالی و غارت و ایجاد وحشت در این مناطق کوشش می کرد.

نهایتاً رژیم مرکزی در حالی که به توطئه های خود ادامه می داد با بر سر کار آوردن دولت قوام به مذاکره با حکومت ملی پرداخت. دولت مرکزی با تظاهر به توافق با حکومت ملی و تحت عنوان تامین امنیت برای برگزاری انتخابات جدید، ارتش شاهنشاهی را به آذربایجان اعزام گرداند و با عهد شکنی و با حمایت اربابان خارجی خود و فنودالهای مرتجع محلی در آذربایجان حمام خون به راه انداخت.

بدین ترتیب حکومت ملی با کشته و زخمی شدن هزاران نفر از فرزندان آذربایجان و متواری گردیدن بسیاری

اعلامیه کمیته مرکزی...

دیگر، در شرایط عدم تناسب نیرو نتوانست به حیات خود ادامه دهد و بار دیگر استبداد دولت مرکزی و سلطه فئودالهای مرتجع بر آذربایجان حاکم شد.

هم میهنان گرامی!

۷۰ سال از آغاز جنبش ملی و دمکراتیک ۲۱ آذر می گذرد. چند سال پس از سرکوب خونین حکومت ملی خود مختار آذربایجان و همزاد آن جمهوری خود مختار کردستان، کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ بر علیه دولت مرکزی قانونی دکتر مصدق و با همکاری مستقیم امپریالیستهای آمریکا و انگلستان به اجرا گذاشته شد. بدین ترتیب حکومت دیکتاتوری شاهنشاهی وابسته به طور کامل بر خلقهای ایران تحمیل گردید.

سرانجام خلقهای ایران به پا خواستند و با انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن خود رژیم دیکتاتوری وابسته شاه را سرنگون کردند و جمهوری اسلامی در ایران مستقر گردید. اهالی آذربایجان نیز جزو اولین گردانهای این انقلاب همه خلقی بودند. خلق آذربایجان همچون دیگر خلقهای ایران تصور می کردند که طبق وعده هائی که رهبری مذهبی انقلاب میداد، از حقوق دمکراتیک و از آن جمله از حقوق ملی خود برخوردار خواهند گردید. ولی علیرغم پایان سلطنت و استقرار جمهوری، از میزان ستم ملی حکومت مرکزی بر خلقهای ایران کاسته نشد.

طی مدت چند سال پس از سقوط سلطنت و با تسلط تدریجی نیروهای ارتجاعی در رهبری حکومت مرکزی و به شکست کشاندن انقلاب بهمن، رژیم جمهوری اسلامی به چنان رژیم استبدادی تبدیل شد که انواع ستم و تبعیضات مذهبی بر اقلیتهای اسلامی غیر شیعه نیز بر ستم ملی افزوده گردید.

اکنون هموطنان سنی مذهب ما در بسیاری از نواحی و از آن جمله در تهران اجازه برگزاری نماز جمعه حتی در به اصطلاح « هفته وحدت » را هم ندارند! علاوه بر اینها، طی چند سال اخیر تحقیر و توهین نسبت به زبان و سنن و آداب معاشرت خلقهای دیگر نیز از طریق رسانه های همگانی به شکل کاریکاتور و یا برنامه هائی نظیر « فتیله » از طرف نیروهای ارتجاعی داخل حاکمیت سازمان دهی می گردد. بحران های اقتصادی که در اثر سیاستهای اقتصادی مخرب باندهای تجاری و مالی و نظامی مسلط بر حکومت مرکزی ایجاد شده و بر اثر تحریم های اقتصادی خارجی مربوط به ماجراجوییهای اتمی رژیم فقهائی تشدید گردیده، زندگی را بیش از پیش

بر اکثریت قریب به اتفاق اهالی کشور دشوار کرده است. این دشواریهای اقتصادی به ویژه در مناطق سکونت دیگر خلقها نظیر سیستان و بلوچستان و خوزستان و کردستان و آذربایجان و نواحی حاشیه ای و دور افتاده میهنمان به شکل مضاعف زندگی گروه های وسیعی از خلقهای ایران را در فقر و تیره روزی تباه می کند. آنچنان که جوانان سیستانی حتی با دستمزد هزار تومان در روز هم کار و مشغله ای پیدا نمی کنند.

بی توجهی رژیم به معضل محیط زیست و خشک شدن فاجعه بار دریاچه های ارومیه و هامون و زاینده رود و تخریب جنگلها و مراتع نیز که ریشه در زمین خواری وابستگان به باندهای حاکمیت مرکزی و منافع وابستگان منطقه ای رژیم دارد نیز به نوبه خود بر فقر و بی خانمانی گروههای دیگری از زحمتکشان خلقهای میهنمان افزوده است.

در شرایطی که خلقهای میهنمان در معرض انواع ستم ها و توهینها و تبعیضات ملی و مذهبی قرار دارند و در بدترین شرایط اقتصادی زندگی می کنند، احزاب و سازمانهای اصیل ملی خلقهای ایران و هر آنکه به این وضعیت اعتراض دارد، از طرف حاکمیت جنایتکار مرکزی مورد سرکوب و تعقیب و آزار قرار می گیرد. بدین ترتیب شرایط برای سوء استفاده گروههای بین المللی امپریالیسم ساخته ای نظیر « داعش » فراهم میشود تا با ایجاد نفرت در میان جوانان محروم و نا امید از آینده خلقها و اقلیتهای ملی و مذهبی میهنمان نسبت به منسوبین به دیگر ملتها و مذاهب، میهنمان را به میدان درگیریهای فرقه ای و شوینیستی تبدیل کنند.

حکومت مرکزی ایران که ظاهرا از حقوق مردم فلسطین و سوریه و عراق و یمن دفاع می کند، عملا برای تامین منافع خود و ادامه حکومت دیکتاتوری خود زمینه ساز حوادث خطرناکی در میان خلقهای میهنمان است که در صورت ادامه آنها، میتواند ایران را نیز دچار وضعیت اسفبار همان کشورها کند.

جنبش ۲۱ آذر و مبارزه خلق آذربایجان برای کسب حقوق ملی و برخورداری از آزادی و دمکراسی و عدالت اجتماعی بخش جدائی ناپذیری از مبارزه سراسری همه خلقهای ایران علیه حکومت مرکزی است. فرقه دمکرات آذربایجان برای تحقق این اهداف خواهان استقرار جمهوری فدرال در ایران است و از همکاری و اتحاد عمل همه احزاب و سازمانهای سیاسی مترقی و دمکراتیک سراسری و منطقه ای خلقهای ایران که در این مسیر مبارزه می کنند پشتیبانی می کند.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

آذرماه سال ۱۳۹۴

گرامی باد خاطره تابناک شهدای جنبش ۲۱ آذر

حل مسئله ملی در ایران.....

برعکس، نیروها و احزاب سیاسی و مترقی طی دهه های گذشته مسئله ملی را مورد بحث دقیق و علمی، درازجنجال شوینیستی و تعصب کورناسیونالیستی قرار داده اند. و جوانب مختلف مسئله ملی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و تزه های راهنما ارائه شده است. همچنین دانشمندان و پژوهشگران های کشورهای دیگر، کار پژوهشی بزرگی را در زمینه بررسی تکامل اتنیک خلقهای ایران و تاریخ قوام و شکل گرفتن اشکال تجمع مردمی در سرزمین میهن ما، از پیش برده اند که در کتب و رسالات و مجلات علمی مختلف گرد آوری شده است.

کشور ما، ایران، کشوری یک ملت نیست. در سرزمین ما، ملت ها و اقلیت های ملی متعددی زیست می کنند که جامعه شناسان و اقتصاددانان و مردم شناسان و دیگر دانشمندان میتوانند خصوصیات هر یک را مطالعه کرده و مشخص نمایند. برخورد اصولی و علمی ما بر این واقعیت متکی است که ایران کشوری است کثیرالمله که در آن ملتها و اقوام گوناگونی زندگی میکنند مانند فارسها، آذربایجانیها، کردها، بلوچها، ترکمنها و عربها. در نواحی مختلف ایران در داخل واحدهای ملی دیگر، اقوام و عشایر ترک زبان و کرد زبان بسر می برند که دارای سرزمین، زبان و آداب و رسوم خود می باشند. بعلاوه اقلیت های ملی دیگری وجود دارند که در سراسر کشور ما پراکنده اند. مانند ارمنی ها، آسوری ها و یهودی ها...

بنابراین، ارزیابی و بررسی ما که بر پایه واقعیت موجود و علم متکی است درست نقطه مقابل نظرو برداشت محافل حاکمه ایران است که وجود ملت های مختلف را در درون میهن واحد ما ایران نفی می کند و این نفی موجودیت ملی را شالوده ستم ملی و نفی حقوق دمکراتیک ملی قرار می دهد. مبارزان باید در مسئله ملی نیز واقعیت عینی را ببینند و مسائل ناشی از آنرا بررسی کنند و برای آنها راه حل های مناسب را به جویند. ساکن ایران را بهم پیوند می دهد. این خلق ها طی قرن های متمادی تاریخ با یکدیگر سرنوشت مشترکی داشته اند و در ابداع و ایجاد فرهنگ غنی و برآزنده ایران با هم همکاری کرده اند و در راه استقلال و آزادی متحدان و دوشادوش هم فداکاری های بی شماری نموده اند. منافع اساسی خلق های ایران در راه مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع با هم در می آمیزد. ولی در نتیجه وجود ستم ملی که از طرف طبقات حاکمه اعمال می گردد، همه این خلق ها از حقوق حقه خود برخوردار نیستند. ستم ملی مانع تأمین اتحاد عمیق بین خلق ها و مانعی در راه ترقی سیاسی اقتصادی و فرهنگی همه جانبه کشور شده است.

باید توجه داشت که ستم ملی برای توده زحمتکش و امر رشد کشور، تنها در تحمیل زبان فارسی در آموزش و در مراجعات به ادارات خلاصه نمی شود و عواقب مترتب بر آن نیز، تنها زمینه فرهنگی را در بر نمی گیرد. ستم ملی واقعیت چند جانبه ای است که زائیده رژیم های

ضد مردمی است. در کشور ما به جز فارس ها، بقیه واحدهای ملی از حق اداره امور اجتماعی، اقتصادی، اداری و فرهنگی خویش محرومند. یعنی در معرض ستم و تبعیض ملی قرار دارند. ستم ملی در میان ملل و اقوام ساکن سرزمین ایران، تخم دشمنی و سوء ظن و عدم اعتماد می افشاند و مانع همبستگی واحدهای ملی ساکن کشور ما در یک اتحاد داوطلبانه و برادرانه می گردد.

بنابراین می بینیم که ستم ملی موجود، چند جانبه است و در هیچ کجای ایران شاخص ملی و تعلق ملی، مبنای کمترین خود مختاری یا داشتن حقوق ملی نیست. عواقب این ستم ملی، نه فقط زمینه فرهنگی بلکه زمینه های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی را وسیعاً فرا می گیرد و حتی نتایج هلاکت بار آن می تواند تمامیت ارضی ایران و موجودیت آن را به مثابه یک میهن واحد مورد مخاطره قرار دهد. سیاست تبعیض ملی و ستم ملی رژیم از همه لحاظ برای میهن ما، برای رشد همه جانبه و سالم آن، برای غلبه بر عقب ماندگی و ترقی موزون و متناسب همه نواحی و همه خلق ها و همچنانکه گفتیم برای ایجاد داوطلبانه و مستحکم مردم سراسرایران بسیار زیان بار است و نیروهای مترقی باید در این جهت نیز مبارزه اصلی و پیگیر خود را علیه این سیاست و عواقب آن سازمان دهند. اگر برخی از نمایندگان خانواده های بزرگ بهره کش قشر بالائی آذربایجانی ها، کردها و غیره را در مقامات وزارت و سفارت و استان داری و غیره می بینیم و آنها را جزئی از بزرگترین ثروتمندان و بخشی از هیئت حاکمه می یابیم، این به معنای تساوی حقوق برای توده های زحمتکش ملت های مزبور نیست. نمایندگان قشر های بالائی آن ملت ها و اقلیت های ملی، که صاحب پست های رهبری در دولت و در دستگاه های مرکزی و محلی و در امور اقتصادی و نظامی و غیره اند، با سایر عناصر هیئت حاکمه بهم جوش خورده اند و بهیچوجه نماینده ملت خود و اقلیت ملی که از آن نشئت گرفته اند نیستند. آنها خصوصیات ملی خود را از دست داده اند.

ستم ملی، بر ملت ها و اقلیت های ملی، از جانب طبقه حاکمه ای که عناصری از منشاء خود آن ملت ها و اقلیت ها را در خود جذب کرده اعمال می شود.

واقعیت نشان میدهد که در بین واحدهای ملی ساکن سرزمین ما آگاهی ملی و مطالبه حقوق ملی در حال رشد است و مسئله ملی بیش از پیش حدت می یابد و حل آن یکی از وظایف مبرم اجتماعی بدل می گردد. در طرح و حل مسئله ملی در کنار واقعیت ستم ملی که از طرف دولت مرکزی اعمال می شود و موجب تفرقه معنوی ملل و اقوام ساکن میهن ما است باید واقعیت دیگری را نیز مورد توجه قرار داد و آن رشته های مختلفی است که واحد های ملی ایران را به یکدیگر پیوند میدهد.

سرنوشت مشترک، طی قرون متمادی، همکاری برای ایجاد فرهنگ ایران، مبارزه مشترک برای استقلال میهن

حل مسئله ملی در ایران.....

های ملی ساکن سرزمین ایران و اتحاد داوطلبانه آنها در چارچوب میهن واحد و برپایه حفظ تمامیت ارضی کشور ایران هستیم.

ریشه کن کردن ستم ملی، شرط اساسی و مقدم تامین این هدف است. برای ایجاد واقعی و تمامیت ارضی مستحکم باید ستم ملی را از بین برد. راه نیل بدین مقصود جمهوری فدرال متشکل از همه اقوام و ملل محروم ایران است. باید حق کامل خلق های ایران در تعیین سرنوشت خویش تامین گردد و حق اقلیت های ملی در برخورداری از کلیه حقوق اجتماعی و فرهنگی و ملی شناخته شود. تقسیمات کشوری باید در چارچوب میهن ما برپایه ملی انجام گیرد. در مورد اقلیت های ملی که به علت پراکندگی خود نمی توانند خود مختاری داشته باشند باید برابری حقوق آنها با سایر ملل و اقوام ساکن ایران و نیز حقوق فرهنگی آنان تامین گردد.

به باور ما تضاد ملی با آنکه از تضادهای مهم جامعه ما است و حل آن ضرورت مبرم و فوری می طلبد. ولی بدون حل مسئله آزادی های دمکراتیک برای همه و عدالت اجتماعی زحمتکشان کامل نمی شود.

و آزادی و همچنین روند عینی نزدیکی خلق ها بر اثر رشد جامعه و در آمیختگی های اقتصادی و انسانی و فرهنگی ناشی از آن، مظاهر گوناگون این پیوند است.

همه میدانند که از درون مبارزات اجتماعی و تلاش های فرهنگی مشترک خلق های ایران چهره های برجسته ای برخاسته اند که اهمیت جهانی دارند و متعلق به همه خلق های ایرانند. در همین دوران ما، حیدر عموغلی و پسیان، ستارخان و دکتراقی ارانی، مصدق، دهخدا و معین، بهار و نیما از آن سیماهایی هستند که بیش از تعلق ملی خود، افتخار آفرین همه مردم ایرانند. اشتراک منافع همه ملل و اقلیت های ملی ایران، در مقابله با امپریالیسم و ارتجاع جنبه مهم و اساسی این پیوند است. همه خلق های ایران در برابر نقشه های حکومت استبدادی منافع واحد دارند. همه اینها به نحو یکسان مورد قرار دارند.

پس طرح و حل درست مسئله ملی میطلبد که هم ستم ملی و محرومیت های ملی موجود را در نظر داشت و هم پیوندهای عمیق تاریخی و فرهنگی و منافع عمده مشترک سیاسی و اجتماعی موجود بین خلق های ایران را. ما طرفدار برابری کامل حقوق کلیه اقوام و ملل و اقلیت

روز دانشجو گرامی باد! "اتحاد، مبارزه، پیروزی"



رضوی

قندچی

بزرگ نیا

رضوی (توده ای) و احمد قندچی (مصدقی) در این درگیری به شهادت رسیدند.

به پاس حاشفشان و مبارزات دانشجویان، روز 16 آذر بعنوان روز دانشجو نام گذاری شد. و هر ساله از سوی نیروهای انقلابی، کارگران و زحمتکشان، مخصوصاً دانشجویان سراسر کشور، این روز گرامی داشته می شود.

جنبش دانشجویی با وجود همه دشواری های سال های اخیر و با وجود شهدا و مبارزان بیشماری که در طول

سال قبل در حالیکه فضای کشور به شدت تحت تاثیر کودتای آمریکایی - انگلیسی 28 مرداد 1332 قرار داشت و کودتاچیان مست پیروزی بودند، اعتراض دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران در روز 16 آذر 1332 خواب را از چشم کودتاچیان ربود. رژیم شاه که با کمک دول غربی به سلطنت برگشته بود، سراسیمه حکم سرکوب اعتراضات دانشجویی را داد. نیروهای سرکوبگر جنبش دانشجویی را به خون کشید. سه نفر از دانشجویان مبارز با نام های مصطفی بزرگ نیا، شریعت

روز دانشجو گرامی باد!

انجامید. در سالهای ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴ دانشجویان دانشکده های فنی، علوم و کشاورزی نیز سازمانهای خود را تشکیل دادند.

فعالیت جنبش دانشجویی ایران در این دوران و پس از فروکش نسبی و موقت مبارزه، پس از سرکوب نهضت دموکراتیک آذربایجان، مجدداً در سال ۱۳۲۶ اوج می گیرد و اندک اندک گسترش می یابد. در سال تحصیلی ۱۳۲۷ - ۱۳۲۸ اولیای دانشگاه کوشیدند تا با طرح تعهدنامه، دانشجویان را از هرگونه فعالیت صنفی و سیاسی محروم سازند. مبارزه بر ضد این تعهدنامه به تشکیل "سازمان موقت دانشجویان کوی دانشگاه" منجر گشت. پس از ترور نافر جام محمد رضا شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ عده یی از مبارزترین دانشجویان دانشگاه تهران قربانی ترور و اختناق رژیم شاه شدند. اعتراض دانشجویان مقیم کوی دانشگاه تهران به شرایط زندگی خویش در آبان و آذر ۱۳۲۸، سرانجام در تاریخ ۹ آذر ۱۳۲۸ به پایه گذاری "سازمان موقت دانشجویان کوی دانشگاه" انجامید.

در جریان اعتصاب ۴ ماهه دانشجویان دانشکده پزشکی در سال ۱۳۲۹ دانشجویان بیش از پیش به ضرورت پی ریزی یک سازمان واحد و متشکل صنفی پی بردند. پس از تشکیل سازمان دانشجویی در دانشکده های مختلف سرانجام در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۲۹ نمایندگان منتخب سازمان ها برای تشکیل سازمان دانشجویان دانشگاه تهران گرد هم آمدند و در ۲۴ اردیبهشت در گردهمایی باشکوهی در محوطه دانشگاه تهران تاسیس "سازمان دانشجویان دانشگاه تهران" را اعلام کردند.

در دوران ملی شدن صنعت نفت نهضت ضدامپریالیستی و دموکراتیک ایران از جمله جنبش دانشجویی به اوج خود رسید. دانشجویان ایران دوش بدوش سایر هم میهنان خود علیه استعمار و در راه اهداف آزادیخواهانه نهضت ملی گام برداشتند و از همین رو نیز از توطئه نیروهای ارتجاعی در امان نبودند. کودتای شوم ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که از سوی سازمان اطلاعات و امنیت آمریکا (سیا) طراحی و سازماندهی و با همکاری ارتجاع داخلی به پیروزی رسیده بود از همان آغاز در پی آن بود که به آرزوی دیرینه و کینه توزانه ارتجاع در تلاشی قطعی جنبش دانشجویی ایران جامه عمل ببوشاند. از همین رو بلافاصله پس از کودتا عده زیادی از دانشجویان دستگیر و یا از دانشگاه اخراج شدند. همچنین از فعالیت قانونی و علنی سازمان دانشجویان دانشگاه تهران نیز جلوگیری بعمل آمد. اما علیرغم آن همه دانشجویان از همان فردای کودتا، این توطئه ضد خلقی و ضد دانشجویی را محکوم کردند و آمادگی خود را برای پیکار برضد رژیم کودتا اعلام داشتند.

شش دهه گذشته جان شریف خود را بر سر این آرمان فدا کرده اند همچنان به پیکار دلیرانه خود بر ضد استبداد و بی عدالتی حاکم ادامه داده و می دهد.

جنبش دانشجویی ایران دارای تاریخ پرافتخاری است و بحق می توان ادعا کرد که این جنبش در جریان سالهای طولانی مبارزه همواره فریادگر صادق خواستهای خلقهای میهنمان بوده است. اگر چه امپریالیسم و ارتجاع تلاش های زیادی کرده اند تا جنبش دانشجویی کشورمان را از بستر تکامل تاریخی و اجتماعی خود جدا سازند و در راه قدرتمندان و زورگویان به بیراهه کشند، اما با قطعیت می توان گفت که در این امر به هیچ روی موفق نبوده اند. جنبش دانشجویی ایران با شناختی آگاهانه از سیر تکامل منطقی مبارزه و الزامات آن به پیکار بزرگ خود برضد استبداد و بی عدالتی ادامه داده است.

جنبش دانشجویی ایران در سده گذشته و در جریان مبارزات خلقهای ایران برای نیل به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی دارای جایگاه ویژه ای است. این جنبش ریشه در سنن درخشان نشات گرفته از مبارزان انقلاب مشروطیت، مبارزه شورانگیز حیدر عمو اوغلی و نبرد جانانه و دلیرانه دکتر ارانی و یارانش با دیکتاتوری رضاخانی و ارتباط نزدیک این مبارزه با نیروهای مردمی بویژه دانشجویان و روشنفکران دارد.

جنبش دانشجویی ایران نزدیک به هشت دهه پیش و با تاسیس مدارس عالی و نخستین دانشگاه ایران یعنی دانشگاه تهران آغاز می گردد. شکل گیری این جنبش در شرایط تسلط استبداد رضا شاه واکنشی در برابر محرومیت ها، ستمگری ها و بی قانونی های جامعه آن روز ایران بود. وجود این عوامل عینی همراه با راهنمایی های روشنگرانه مبارزان مترقی آن دوران، موجب آن گشت تا دانشجویان ایران خیلی زود به عنوان یک نیروی آگاه و مهم وارد صحنه فعالیت اجتماعی کشور شوند. اعتصاب دانشجویان دانشسرای عالی در سال ۱۳۱۵ (نخستین جنبش اعتصابی دانشجویان در ایران) تاثیر شگرفی در شکستن سکوت گورستانی آن دوران جامعه ایران بر جای گذاشت. این اعتصاب و اعتصابات پیاپی دیگری که در سالها ۱۳۱۵-۱۳۱۶ در دانشکده فنی، پزشکی، حقوق، علوم و ادبیات دانشگاه تهران صورت گرفت از آن جهت حائز اهمیت است که در عین مبارزه برای خواستهای صنفی نشانگر آگاهی فزاینده اجتماعی و سیاسی دانشجویان ایران بود. با واژگونی رژیم استبدادی رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ و بر خورداری جامعه آنروز ایران از برخی آزادیهای نسبی، فعالیتهای دانشجویان در راه تشکل سازمانی آغاز گشت. این فعالیتها در اوائل سال تحصیلی ۱۳۲۴ - ۱۳۲۳ به پایه گذاری اتحادیه دانشجویان دانشکده های پزشکی، داروسازی، دندان سازی و آموزشگاه عالی مامایی

مردم تهران همراه با شرکت وسیع دانشجویان و دانش آموزان دبیرستان ها، به روابط دیپلماتیک با بریتانیا، بازدید نیکسون و به ویژه یورش ددمنشانه نظامیان به دانشگاه و قتل سه دانشجوی آزادی خواه اعتراض کردند. دامنه اعتراضات چنان وسیع بود که رژیم کودتا مجبور شد تا در ظاهر از عمل نظامیان خود ابراز ندامت کند. جاری شدن خون این سه مبارز راه آزادی، با داشتن دیدگاه های متفاوت فکری در نبردگاه دانشگاه تهران هنوز هم پس از گذشت ۶۲ سال الهام بخش دانشجویان ایران است. بدینسان ۱۶ آذر بعنوان مظهر پیکار متحد دانشجویان میهن دوست و آزادی خواه کشور بر ضد امپریالیسم و ارتجاع در تاریخ درخشان جنبش دانشجویی ایران به ثبت رسید. دانشجویان ایران ۱۶ آذر را روز دانشجویان ایران اعلام داشتند و از آن پس همه ساله با تجلیل از خاطره شهیدان جنبش دانشجویی عزم راسخ خود را در راه نیل به شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" اعلام می نمایند.

در تمامی دوران پس از ۱۶ آذر ۱۳۳۲، جنبش دانشجویی کشور به عنوان یکی از گردان های رزمنده جنبش مردمی میهن نقش حساس و مهمی را در رویدادهای کشور ایفاء کرده است. و در غیاب فعالیت آزاد احزاب و سازمان های سیاسی مترقی و آزادیخواه نقش مهمی هم به عنوان حلقه واسط بین گردان های رزمنده جنبش را به عهده دارد. در چنین شرایطی، تلاش در راه پیوند زدن جنبش های اجتماعی دانشجویان، جوانان، زنان و کارگران و زحمتکشان کشور و جهت سیاسی دادن به این مبارزه از جمله مسایل مهمی است که بدوش جنبش دانشجویی کشور قرار گرفته است.

در جریان انقلاب بهمن شکوهمند ۱۳۵۷ جنبش دانشجویی نقش بی بدیلی ایفا کرد. دانشگاههای سراسر کشور مرکز سازمانگری، روشنگری و افشای جنایت های رژیم پهلوی بود. پیوند جنبش دانشجویی با مبارزات توده های مردم بویژه جنبش کارگری انقلاب را قطعی و غیر قابل برگشت کرد.

تحریر سالهای پس از انقلاب نشان داده است که سرکوب جنبش دانشجویی همزمان بوده است با یورش به هدف های مردمی انقلاب. نیروهای ارتجاعی که در خانه انقلاب لانه کردند تا آرمانهای آنرا از درون تهی کنند، در وهله اول جنبش دانشجویی را هدف قرار دادند. از فردای انقلاب با تعطیلی مراکز آموزش عالی سراسر کشور و خانه نشین کردن دانشجویان و اساتید دانشگاهها، تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" با هدف تصفیه دانشجویان و استادان انقلابی از دانشگاهها، و سپس پر کردن کلاس های دانشگاهی از افراد بی سواد و کم سواد، تحت نام سهمیه بسیج و دیگر ارگانهای حکومتی، پاکسازی مدام و متداول دانشجویان آزاد اندیش جهت اسلامی کردن دانشگاهها، ستاره دار کردن دانشجویان در کنار

هنوز کوتاه زمانی از کودتای امپریالیستی و ارتجاعی ۳۲ گذشته بود که مبارزات خلقهای ایران و همگام با آنان دانشجویان دانشگاهها بار دیگر آغاز شد. نخستین اعتصاب هماهنگ و یکپارچه نیروهای ملی در ۱۶ مهر ۱۳۳۲ بر ضد کودتا برگزار شد. در این تظاهرات همه نیروهای ملی و در راس آنان حزب توده ایران، جمعیت ملی مبارزه با استعمار و جبهه ملی شرکت کردند. آنروز ۱۶ مهر را می توان نقطه آغاز اقدام مشترک نیروهای ضد استعماری به هدف تحصیل استقلال ملی ارزیابی کرد. در پی این تظاهرات در تاریخ ۲۱ آبان ۳۲، بدعوت جمعیت ملی مبارزه با استعمار بار دیگر تظاهرات وسیعی با شعارهای "تامین آزادیهای دموکراتیک"، "آزادی دکتر مصدق و سایر زندانیان سیاسی"، "طرد استعمارگران" و "جولوگیری از کشانده شدن ایران به دسته بندی های نظامی" برگزار شد. دانشجویان با تعطیل دانشگاه و شرکت در تظاهرات ۲۱ آبان ۱۳۳۲ مردم تهران علیه حکومت کودتا، همبستگی خود را با هم میهنان خویش بثبوت رساندند.

برگزاری این دو حرکت وسیع مردمی در ۱۶ مهر و ۲۱ آبان در واقع زمینه ساز حماسه ۱۶ آذر ۳۲ گردید. پاپیای اقدامات خیانت آمیز کودتاگران، فعالیتها مقاومت آمیز مردم و دانشجویان نیز ادامه یافت. در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ دانشجویان دانشگاه تهران شرکت خود را در اعتراضات مردم تهران علیه تجدید روابط دیپلماتیک با بریتانیا و دعوت ریچارد نیکسون، معاون آیزنهاور رئیس جمهور وقت آمریکا، اعلام داشتند. حکومت کودتا برای جولوگیری از این اعتراضات عده ای از نظامیان خود را برای اشغال دانشگاه فرستاد. آنها برای دستگیری دو تن از دانشجویان دانشکده فنی مستقیماً به کلاس درس رفتند. اعتراض استاد و دانشجویان به این عمل وحشیانه با تهدید مسلحانه نظامیان روبرو شد. استاد و دانشجویان به عنوان اعتراض کلاس درس را ترک گفتند و رئیس دانشکده فنی پس از این عمل شرم آور و بعنوان اعتراض به نقض اصل استقلال و حرمت دانشگاه، تعطیلی دانشکده را اعلام داشت. موجی از خشم خروشان دانشکده فنی را فراگرفت. فریاد "دست نظامیان از دانشگاه کوتاه"، "درد بر مصدق نخست وزیر قانونی"، "اتحاد مبارزه پیروزی" از هر گوشه طنین افکند و سرتاسر فضای دانشگاه را به لرزه درآورد. در این هنگام رگبار مسلسل ها دانشجویان آزادی خواه و مبارز را هدف قرار داد و سه تن از دانشجویان دلیر به نامهای مصطفی بزرگ نیا (عضو رهبری سازمان جوانان توده ایران)، مهدی شریعت رضوی (عضو سازمان جوانان توده ایران) و احمد قندچی (عضو جبهه ملی ایران) به ضرب گلوله و سرنیزه از پای درآمدند و به شهادت رسیدند. در این یورش گزندگان استبداد، عده زیادی از دانشجویان زخمی و یا دستگیر شدند. متعاقب آن در روزهای ۱۷ و ۱۸ آذر

روز دانشجو گرامی باد!

سرکوب، کشتار و زندانی کردنشان به اتهامات واهی، از جمله اقداماتی است که بر علیه جنبش دانشجویی انجام داده اند. علیرغم این جنبش دانشجویی کشور برای لحظه ای هم از فعالیت و نقش مهمی که به عهده دارد باز نایستاده است. در تمام تحولات اجتماعی و جنبش های اعتراضی سالهای اخیر نقش مهم و پیش قراولی خود را حفظ کرده است.

بی جهت نیست که آقای خامنه ای راه و بیراه با حمله به دانشجویان به ویژه دانشجویان ترقی خواه خواستار تغییر فضای سیاسی و علمی دانشگاه ها در راستای اهداف رژیم می شود. این مواضع و تلاش ها ناشی از نقش پر اهمیت جنبش دانشجویی در مجموعه جنبش دمکراتیک و آزادی خواهانه میهن ماست. در سال های اخیر با رشد کیفی جنبش دانشجویی، بر میزان و سطح همبستگی آن با دیگر گردان های جنبش مردمی به ویژه جنبش کارگری و زنان افزوده شد و در نتیجه هم این جنبش نیرومند تر و هم جنبش مردمی سراسری پرتوان تر گردیده است.

امسال در حالی که استقبال روز دانشجو می رویم که وضعیت حساسی در کشور حاکم است. از یک سو توافق جمهوری اسلامی با کشورهای 5+1 و حل مسئله هسته ای که کشور را در آستانه حنگ قرار داده بود، باعث شد تا مردم نفس راحتی بکشند. مخصوصا که سیاست های ویرانگر دولت هشت ساله احمدی نژاد کشور را در لبه پرتگاه قرار داده بود. از سویی دیگر گرچه مردم تا

حدودی امیدوار شده اند که با لغو تحریم ها، اقتصاد کشور جان تازه ای بگیرد و بازار کار برای بیکاران ایجاد شود و تورم کمر شکن کمی بهبود یابد، اما این نگرانی نیز به جد وجود دارد که با باز شدن دروازه های کشور به روی اقتصاد نئولیبرالی آینده کشور چه خواهد شد. مخصوصا که پیوند نا میمون غارتگران داخلی اعم از ارگانهای دولتی و بخش خصوصی که سرمایه ای بیش از بودجه سالانه دولت را در اختیار دارند با غارتگران جهانی کشور را به کدام سمت خواهد کشید. این نگرانی جدی است از آن رو که تجربه سالهای گذشته نشان میدهد که هر جا منافع باندهای حکومتی حکم کرده است، اقدامات ضد مردمی و در ورای قانون انجام داده اند. مثل وارونه جلوه دادن اصل 44 قانون اساسی و اصولی که به آزادی های سیاسی، اجتماعی و صنفی بر می گردد. و مخالفان را ضد انقلاب، فتنه گر و نفوذی خطاب کرده اند و به سرکوب آنها اقدام کرده اند.

در اوضاع فوق العاده حساس کنونی جنبش دانشجویی ایران وظیفه خطیری بدوش می کشد. در چنین شرایطی پیوند هر چه بیشتر جنبش دانشجویی با مبارزات زنان، کارگران و زحمتکشان، نیروهای ملی و خلق های ساکن کشور می تواند با اهداف ناپیدای رژیم مقابله کند. و تنها راه مبارزه برای افشا و خنثی کردن توطئه های چپاول گران، تقویت جنبش دمکراتیک و آزادیخواه مردم است.



به مناسبت نود و هفتمین سالروز تولد فریدون ابراهیمی

«آینده از آن کسانی است که عرق ریزان کار می کنند. کسانی که دستهایشان از شدت کار پینه بسته است. این دستهای پینه بسته در های تمام زندانها و شکنجه گاهها را خواهند گشود و تمام جلادان و ستمکاران را نابود خواهند کرد. روزی خواهد رسید که تمامی کسانی که خلقهای ایران را از حقوق خود محروم نموده، فرهنگ و افتخارات ملی آنها را لگدمال کرده اند و برای پر کردن جیبها و کیسه های خود از طلا انسانهای زحمتکش را تحت استثمار قرار داده اند، مجبور به جوابگویی جنایات و خیانتهای خود در مقابل خلق خواهند شد.»

فریدون ابراهیمی در 29 آبان 1267 در شهر آستار متولد شد. وی فرزند غنی ابراهیمی از مبارزین و آزادی خواهان زمان خود بود که با تأسیس فرقه دمکرات آذربایجان به آن پیوست. فریدون در سال 1320 وارد دانشگاه تهران شده و فعالیت های ادبی و نوشتن مقالات ادبی را آغاز نمود، او در سال 1320 پس از تأسیس روزنامه آژیر توسط پیشه وری شروع به همکاری به آن

و به سمت هیئت تحریریه آن نائل آمد، او همکاری هایی هم با روزنامه های دمکراتیک آذربایجان و خاور نو و همچنین ظفر ارگان رسمی شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران داشته که در آن از جمله به افشای سیاست های امپریالیستی و نوکران آن در داخل ایران می پرداخت.

فریدون ابراهیمی در خرداد 1324 در رشته حقوق فارغ التحصیل شد و در این مدت به غیر از زبان های فارسی و ترکی بر زبان های عربی، فرانسه و انگلیسی نیز تسلط یافت، در این زمان او را به همکاری با وزارت خارجه

به مناسبت نود و هفتمین

دعوت نموده اما چنان که این عمل در تناقض با ماهیت سیاسی و طبقاتی او بود این دعوت را رد کرده و برای یاری رساندن به خلق خود به آذربایجان بازگشت.

۳ شهریور ماه ۱۳۲۴ فراخوان ۱۲ ماده ای فرقه دموکرات آذربایجان منتشر شد. در این اعلامیه از خلق آذربایجان دعوت شده بود که برای مبارزه در راه آزادی با هم متحد شوند. این فراخوان مورد استقبال طبقات زحمتکش قرار گرفت. در این زمان تشکیلات حزب توده ایران در آذربایجان با فرقه دموکرات آذربایجان اعلام همبستگی کرد. فریدون ابراهیمی در اولین کنگره فرقه دموکرات آذربایجان، که در ۹ مهرماه ۱۳۲۴، با شرکت ۲۳۷ نفر از نمایندگان خلق آذربایجان در تبریز تشکیل گردید، شرکت داشت. پس از تشکیل مجلس مؤسسان، هیئت حکومت ملی خلق آذربایجان، که از ۳۹ نفر تشکیل می شد و سید جعفر پیشه وری در رأس آن قرار داشت، تعیین گردید. فریدون ابراهیمی نیز جزء این هیئت انتخاب و سپس به سمت دادستان کل آذربایجان منصوب شد.

وقتی شاه و حامیان غربی اش در ۲۱ آذرماه ۱۳۲۵، به آذربایجان وحشیانه حمله کردند، فریدون ابراهیمی همراه با تعدادی رفقای خود، در داخل ساختمان کمیته مرکزی سنگر گرفته بودند و پس از ۳۴ ساعت نبرد مسلحانه دستگیر شدند. او در زندان می گفت:

« هرگز از دولت و شاه طلب عفو نکنید. ما به عفو این آقایان و شاه لعنت می فرستیم.»

خبرنگاری گزارش ملاقات خود را با فریدون ابراهیمی در زندان تبریز چنین نقل کرده است:

از او پرسیدم شما در دوران دادستانی چه کارهایی انجام دادید؟ او در پاسخ گفت:

ما به پرونده زندانیان رسیدگی و کسانی را که بیگناه و بر اساس قوانین ارتجاعی زندانی شده بودند آزاد نمودیم. از حقوق خلق دفاع کرده و آنها را از ظلم هیئت حاکم فاسد نجات دادیم.

سوال کردم: پس آن خلق کجا هستند و چرا خواستار مرگ شما شده اند؟ جواب داد:

کسانی که خواستار مرگ امثال من هستند، هیئت حاکمه مرتجع تهران می باشد، که به دستور اربابان امپریالیست خود عمل میکند. امروز دست و پای خلق ما، این کارگران و دهقانان زحمتکش و همچنین زبان و قلم روشنفکران ما بسته است. اما این زنجیرهای اسارت همیشگی نیست و به دست توانای ایشان باز خواهد شد.»

فریدون ابراهیمی مدت شش ماه تحت سختترین شکنجه ها زندانی بود. او تمام سختیها را تحمل می کرد و با افتخار می گفت:

«من بهترین سالهای عمرم را در راه آزادی و سعادت زحمتکشان آذربایجان و سراسر ایران صرف نموده ام.

در این مدت تلاش کرده ام این وظیفه خود را شرافتمندانه انجام دهم. من در میان شعله های مبارزات خلق تربیت شده ام. از این رو خود را در خدمت خلق می دانم و به راه مبارزه مقدسی که در پیش گرفته ام افتخار می کنم. در این مراحل آخر مبارزه نیز اراده و جسارت خود را حفظ خواهم کرد.»

وی در دفاعیات خود در بی دادگاه رژیم جنایتکار شاه با قاطعیت از حق تمامی خلقها و زحمتکشان ایران دفاع می کرد و جنایات امپریالیسم و نوکران سرسپرده داخلی شان را افشا نمود. او در قسمتی از سخنان خود گفته بود:

«آینده از آن کسانی است که عرق ریزان کار می کنند. کسانی که دستهای پینه بسته درهای تمام زندانها و شکنجه گاهها را خواهند گشود و تمام جلادان و ستمکاران را نابود خواهند کرد. روزی خواهد رسید که تمامی کسانی که خلقهای ایران را از حقوق خود محروم نموده، فرهنگ و افتخارات ملی آنها را لگدمال کرده اند و برای پر کردن جیبها و کیسه های خود از طلا انسانهای زحمتکش را تحت استثمار قرار داده اند، مجبور به جوابگویی جنایات و خیانتهای خود در مقابل خلق خواهند شد.»

پاسخ رژیم به رزمنده پولادین اعدام بود. دو روز قبل از اعدام، او خواست که کت و شلوار مشکی را که هنگام عزیمت به پاریس جهت شرکت در کنفرانس صلح تهیه کرده بود، برایش به زندان بفرستند. در تمام طول شب اعدام با رفقای خود صحبت کرد. او از وظیفه انسانها نسبت به اجتماع و خلق و از شیرینی زندگی توأم با مبارزه سخن ها گفت. سحرگاه، پس از اصلاح صورت، کت و شلوار خود را با پیراهن سفیدی بر تن کرد و کراوات سرخرنگش را به گردن زد. در این کار نهایت سلیقه را به خرج میداد. او در مقابل تعجب بعضی از رفقا گفت:

« ما تمام زندگی خود را با پاکی و شرافت گذرانده ایم، چرا باید زیر چوبه دار با حالتی پریشان ظاهر شویم؟»

فریدون ابراهیمی در ساعت ۴ صبح روز اول خرداد ۱۳۲۶، در خیابان ستارخان تبریز، جلوی باغ گلستان اعدام شد. او با گامهایی محکم به سمت چوبه دار رفت و با حالتی تمسخرآمیز و نگاهی پر از نفرت به جلادان حکم کرد: «طناب را به گردنم ببندازید.....»

دقایقی بعد؛ زیر اولین انوار آفتاب، که می دمید؛ ستاره ای دیگر در آسمان رزم خلقهای ایران جاویدان می شد: فریدون ابراهیمی عضو کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان، نماینده مجلس ملی آذربایجان، دادستان کل آذربایجان در دوره حکومت ملی بود.

در این روز خلق آذربایجان در ماتم فرو رفت. جوانان مبارز در تبریز دست به تظاهرات و اعتراض زدند و « کمیته های انتقام» تشکیل دادند.

آذربایجان دموکرات فیرقه‌سی نین پروگرامی

1324



امیدینی گوجندیدیدی. آذربایجان اوز گله جه گینه بویوک امیدله باخان آزاد و دموکراتیک حیاتیار اتماق اوچون هر جور فداکارلیغا حاضر اولان اولکلردن بیرسی دیر. یوز ایلرله خالقیمیزی اسارت آلتیندا ساخلاماق سیاستینی تعقیب ائدن داخلی و خارجی جینایتکارلار میلیون لارجا آذربایجانلی لارین قان ترپله وجودا گنیردیکلری ثروتینی چکیب، آپارمقلا کیفایتلنمه‌ییب، اونون بویوک تاریخی قديم مدنیتینی، آهنگدار دیلینی، بیر سوزله میلی وارلیغینی اینکار ائدیر. اونو اسارت حالیندا ساخلاماغا چالیشیرلار. لاکین خالقیمیز هنج بیر زامان دوشمن لرینه باش ایمه میش دیر. او آغیر مبارزلمرده اوز تورپاغی نین شرفینی ساخلاماغا موفق اولوب، اوز تاریخی، دیلینی و مدنیتینی حفظ ائتمیش دیر. ستارخان و شیخ محمد خیابانی کیمی بویوک سیمالار آذربایجان خالقینی آزادلیغی اوغروندا آپاردیقلاری مبارزده بویوک فداکارلیق لار گؤستریش و دنیانی حیرته سالمیشدی. استبداد و ارتجاعلئیهینه مبارزده آذربایجان خالقین بوتون اوز هموطن لرینه کؤمکلر ائتمیش دیر، ایندی ده ایراندا حقیقی آزادلیق، استقلال و دموکراسی اصول-اداره یاراتماق آذربایجان خالقینی نینعالی هدفی دیر. او ایراندا اقلیت تشکیل ائدن بوتون خالق لارین از جمله کوردلر و ائرمی لر و غیره لرین نین آپاردیق لاری آزادلیق حرکتی نین پیشوالاریندان ساییلیر.

عصریمیزده وجوده گلن جهانشمول بویوک سیاسی و اجتماعی حادثه لر گؤستریدی کی، خالق لاری اسارت آلتینا آلیب اونلارین زحمتیندن سوء-استفاده ائتمه دن کنجینه بیلمه‌ین کؤهنلمیش و چوروموش اجتماعی وضعیتین محو اولماسی دؤورو گلیب چاتمیش دیر. بوگون دنیانین خالق لاری آپقیدان-آچیغظلوم و فیشار زنجیرلرینی ابدی اولراق قیریب بشریتین بویوک قوربانلار باهاسینا قازاندیغی آزادلیغی هر قیمتده اولورسا-اولسون ایسته بیرلر، اونا گوره هر پئرده دموکراتلیق طرفداری ایله ارتيجا آراسیندا و او حاکمیتی ساخلاماغا جان آتان بیر اوووج ظالم لارلا، آزادلیق ایسته‌ین خالق لار آراسیندا قیزغین مبارزه گوندن-گونه شدت لنیر. بوگون اجتماعی اقتصادی و فرهنگ جهتدن ابتدای حالدا یاشایان طایفه لار و قبیله لر بنله هر جور فیشار و تضییقینعلئیهینه چیخیب اوز حیات لارینی مستقیل آزاد طرزده قورماق ایسته بیرلر. متفیق لرین و دموکراتیک قوه لرین بین الملل ارتجا مرکزی اولان فاشیست آلمان جهانگیرلیگی اوزه رینده غلبه چالماسی نه اینکی آوروپانین ابرلمیده گندن خالق لاری وحشت و اضطرابدان خلاص ائندی، بلکه بوتون دنیانی، و او جمله دن شرقی صنایع جهتدن دالدا قالمیش ضعیف اولکلرینده یاشایان خالق لارینین آزاد اولماق و دموکراتیک دؤولت یاراتماق

آذربایجان دموکرات....

آذربایجان ایرانین آیریئرلری کیمی معاصر و مدنی مملکتلردن یوز ایللره دالی قالمیش دیر. عصریمیز ماشین، ائلکترونیک، علم عصری و بویوکصنایع و ماشینلارلا تهجیز اولونموش صنعت و فلاحت عصری دیر. بیز افتخارلا دولو تاریخمیزه لایبق اولماق اجدادیمیزین عظمت و شهرتینی دین جانلان دیرماق فیکرینده-بیک. وطنیمیزی مترقینصایع و حقیقی بیر دموکراتیک اولکمه چنورمه-لیگیک. یوخسا گوجلرین اسارتی آلتیندان قورتارا بیلیمیب، چوخ تنز بیر زاماندا محو اولما بیلریک. سیاسی-اقتصادی و مدنی حیاتی زامانین تقاضاسینا گوره قورا بیلیمین و چوروموش کوهنه اجتماعی وضعیتین منگه سینده اسیر قالان بیر میللت اوز استقلال و آزادلیغینی ساخلا ماغا موفق اولوب، امپریالیست دولت لرین اسارتیندن خلاص اولما بیلیمز. بو اجتماعو طبیعتین پوزولماز قانونلارینداندیر. اونا گوره آذربایجان دموکرات فیرقهسی آذربایجان صنایع و تجارت و علمی فلاحت جهتن ترقی سینی حقیقی خالق حاکمیتی و میلی دموکراتلیق اوصولونون غلبه سینی ضروری شرطلردن ساییر. فیرقه میز انله بیر زاماندا ایشه باشلا بیر کی، بوتون دونیادا دموکراتلیق جبهه غلبه چالیدیگی کیمی ضعیف و گوجسوز میللتلر آتانتیک منشوری اساسی اوزه-رینده اوز حیاتلارینی ایسته-دیگرلی کیمی قورماق حقوقونو اله انتمهیه موفق اولموشلار. میلی دموکراتیک بیر تشکیلات اولان آذربایجان دموکرات فیرقهسی ایرانین و بلاخص آذربایجانین خصوصیتلرینه گوره اوزونون ان یاخین وظیفه لرینی آشاغیداکی شکیده تعیین اندیر.

عمومی و سیاسی مسئله لر

۱. آذربایجان دموکرات فیرقهسی ایرانین تمامیت و استقلالینی مدافعه انتمکله برابر، آذربایجانین میلی و یئرلی خصوصیتلرینی نظره آلاق، اونون اقتصادی، سیاسی و میلی مدنی ترقی سینیسر عتلندیر مک مقصدیله بلاتأخیر ایالت و شهر انجمنلرینی نین انتخابینا باشلانماسینی طلب اندیر.

۲. آذربایجان ایران داخلینده مدنی-اقتصادی-تجارت دیل و فرهنگ جهتن میلی مختاریت و اوز حیاتی ایستدیگی کیمی قورماق اوچون گنیش حقوقلار تحصیل انتمک فیرقه-میزین ان اساس وظیفه لریندندیر.

ایرانلی لارین هامی سینی بیرلشدیرن و دوست ائدن ده بو آرزو و آمال دیر، چونکی رضا خان استیدادین ظلمو بو خالق لارین هامی سینی آباقدان سالمیش دیر. بو ماجرا بیر ده تکرار اولورسا، یئنه هامی ایران خالقینی استثناء سیز بیر صورتده فلاکته سووق انده جک دیر.

رضا خان استیدادی هیتلرین فاشیست افکار و آمالینی وطنیمیزه کچیرمک ظلم و اسارتی گوجلندیردی. ایران داخلینده یاشایان آذربایجانلی، کورد، آسوری و باشقالاری نوغما آنا دیلینده یازیب اوخوماق، یئرلی اداره و محکمه لردن آنا دیلینده استفاده انتمک امکانینی و قاداغان ائدی. نتیجه ده خالقلار آراسیندا بویوک نفاقوچودا گنیردی. بو استیداد هیکلی نینییخیلما سیدان 4 ایل کچدیگینه باخمایارق مورتجعنصرلر گنت-گنده حیاسیزلاشاراق خالقا هجوما کچیپ، اونون دموکراتیک حرکاتینی بوغماقدادیرلار.

ارتجاع مملکتیمیزین صنایع جهتن ترقی اندیب، گوجلو و قرتلی اولماسینی ایسته-میر، اونو نوح ایامیندان قالما وضعیتده ساخلا ماغا جهد اندیر. خصوصا خالقیمیزین ترقی چارخینا گنری دؤنمک ایسته-مین بو مرتجعانه سیاستلرینه جدن قیام انتمه لی دیر. بوتون ایران خالقلاری نینعمومی آرزولاریندان باشقا آذربایجانین بیر چوخ یئرلی خصوصیتلری ده واردیر کی، خالقیمیزی بویوک سیاسی اقتصادی و مدنی خصوصیتلره مالیک دیر. بیز وار قوتیمیزله اثبات انتمه-لیگیک کی، وطنیمیزین طالعی و مقدراتینی گوج و اراده میزله تعیین انتمه-لیگیک. دنیا وضعیتینی نینیارا تدیغی فرصتن استفاده اندیب، حیاتی میزی ایسه دندیکیمیز کیمی، یعنی حقیقی دموکراسی اوصولو داخلینده آزاد یاشاماق اساسی عذره قورمالی بیق و بو فورستدن ایستیفاده انتمک اوچون طبقه و صینیف آیری لیغی نظرده توتما ییب، هر بیر آزادیخواه آذربایجانلی نین چالیشماسی لازمدیر. بوتون آذربایجاندا یاشایان جاماعات، میللیت و دیل آیری لیغینی نظره آلماییب ال-اله وئریب، سعی و تلاش گؤستر مه لی دیر. دموکراتیک و آزادلیق ایدئالیولوندا بوتون وئنداشلار واحد بیر طبقه کیمی بیرلشمه لی و هر جور مبارزه حاضر اولمالی دیر.

آذربایجان دموکرات....

چهارتاق و خالقین آزادلیغینی خارجی و داخلی ارتجاعین تعرضوندان قوروماق اوچون وطنیمیزین اقیصادیاتی نین اساسلی صورتده ده-بیشیلمه سینی و آشاغی داکی اقتصادی تدبیرلرله حیاتا کنجیر یلمه سینی لازیم و واجب بیلیر

۱۰. دؤورونو کنجیریب چوروموش اقتصادی اصول عالی و معاصر اقتصادی اجتماعی شرط ایله عوض اولونمالی دیر. خالقیمیز اوز میلی و آغیر صنایعی وجوده کتیریب، اونو معاصر بیر حالا سالمالی دیر. انله تدبیر گؤرمه لی دیر کی، چوخ تنز بیر زامادا اولکه میز صنایع محصولونا اولان احتیاجینی اوز کارخانالاری واسطه سیله تأمین انتمک ممکن اولسون. مملکت دوچار اولدوغو فقر و فلاکتدن قورتاریب، مترقی و ثروتمند مملکت لر ردیفینه (سیراسینا) کنجه بیلسین.

۱۱. استبداد دؤورونده آپاریلان خاناناه سیاست نتیجه سینده آذربایجانین ثروتلری چکیلیب آپاریلمیش و اورادا نه بیر گؤرکملی کارخانا، نه بیر فابریک، نه ده آیری بیر مهم صنعت اوچاغی وجوده گلیمیشدی. بونو نظره آلاراق آذربایجان دموکرات فیرقه سی آذربایجاندا میلی صنایع یارادیلما سینی، فابریک، مکتب و مریضخانا (خسته خانا) وجوده کتیریب و یول لار چکیلمه سی اوچون وسیله لر وجوده گلیمه سینی جیددن طلب اندیر، ایالت و ویلايت انجونه لر و واسطه سیله نایل اولاجاغینا اینانیر. آذربایجانین گلیری نین بؤیوک قیسمی بو یوخاری داکی تدبیرلرله آذربایجانین آبادلیغینا صرف اندیلمه لی دیر.

۱۲. تجارتی هر جور واسطه لرله گنیشلندیرمک و خالقین مادی حیاتی نی یاخشیلشدیرماق اوچون ایشسیزلیک علنیه نه قطعی تدبیرلر گؤرولمه لی دیر. اقتصادی حیاتین و تجارت ایشلرینی انله آپارماق لازیم دیر کی، عموما تجار، خصوصا خیردا و اورتا آلورچی و اصناف اقتصادی چتین لی-یه راست گلیمه سین. بوتون مملکتده اقتصادی دیریلیک (اینکیشاف) جانلانسین، بوتون خالقین مادی حیات شرایطی یاخشیلان سین..

۱۳. پولون قیمتدن دوشمه سی نین قباغینی آماق اوچون تدبیرلر گؤرولمه لی دیر.

۳. فیرقه میز فرد آزادلیغی نین تأمین اندیلمه سی و هموطنلیک حقوقونون مقدس اساسلاریندان ساییر و اونون یولوندا مبارزه اندیر

۴. مملکتی فلاکته سؤوق انتمیش اونون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تنزلولونه سبب اولوب خالقین ظلمت و جهاننده ساخلایان مستبدلر حاکمیتی جدی صورتده محو اندیلمه لی دیر.

۵. خالقا سوز آزادلیغی، وجدان آزادلیغی، مطبوعات آزادلیغی و تشکیلات آزادلیغی وئر یلمه لی دیر. مستبدلر و فاشیزم افکارینی تبلیغ اندن مرتجع لر بو بؤیوک نعمتلردن محروم اندیلمه لی دیر.

۶. خالقین عمومی رای وئر مه سی یولو ایله مملکتین دردلرینی قانان و اونون یارالارینی ساغالتماق ایسته یین و بونا قادیر اولان حقیقی خالق دموکراتیک دؤولتی یارادیلما لی دیر.

۷. استئناسیز اولماق، اوزره ایگیری می یاشینا چاتمیش بوتون کیشی و آروادلار انتخاب انتمیه ۲۷-دن ۸۰ یاشینا چاتان لارا ینتیخاب اولماق، ایختیاری وئر یلمه لی دیر. انتخابدا تهدید و تنبیه کیمی خاناناه حرکتلرین قطعی صورتده قباغی آلینما لی دیر. خالق مستقل، متناسب مخفی بیر صورتده اوز قانونی رایینی بیلدیرمک امکانشی مالیک اولما لی دیر. آنجاق بو یول ایله حقیقی خالق نماینده سی اولان میللت خادیم لرینی انتخاب انتمک ممکن اولما ییلر.

انتخابات بوتون مملکتده تأخیر سیز اولاراق معین و قیسا مدته انجام تاپما لی دیر. بوتون متفیک و دموکراتیک میللتلر و خصوصا یاخین قونشوموز اولان شورا جمهوریتلری اتقاقی ایله اولان صمیمی و دوستلوقوموزو ساخلاماق خارجی سیاستیمیزین اساسینی تشکیل انتمه لی دیر.

دؤولت تشکیلاتی استبداد و دیکتاتورلوق طرفدارلاریندان و فاشیست فیکیرلی آدم لاردان تمیزلنمه لی دیر. دؤولت قوللوقچولاری، مثلا ژاندارم و پولیس مأمورلاری نین قانون سوز و تجاوزکارانه حرکتلرینه هنج وجهی-له یول وئر یلمه مه لی دیر. اختلاس و روشوخورلوق تامامیله آرادان قالدیر یلمه لی دیر.

اقتصادی و تجارت مسئله لر ی حاقیندا

آذربایجان دموکرات فیرقه سی مملکتی ترقی یولونا

آذربایجان دموکرات....

گوره وئرگی تعیین اندیلمهسی، غیرى مستقیم وئرگی لر باجاردیقجا آزالمالی دیر.

۱۷ گؤستریلن اقتصادی تدبیرلری حیاتا کنجیرمک اوچون سرمایه ایله آذربایجان میلی بانکی تشکیل اندیلمهسی دیر.

فلاحت حاقیندا

آذربایجان دموکرات فیرقهسی آذربایجانین کندلی سنین آج، یوخسول حالا دوشمهسی نین گناهینی ایندی-یه قدر کندلرده اولان فنودال (دربنی لیک) اصولوندا گؤرور و بونا گوره فیرقه حساب اندیر کی،

۱۸. تنز بیر زاماندا کندلی ایله ارباب مناسبتینی معین ائتمکدن اؤترو خصوصی قانون وضع اندیلمهسی دیر. دؤولت یئرلرینی کندلی لرله پولسوز اولماق شرطیله پایلاماق لازیم دیر. همچنین استبداد دؤورونون طرفداری اولان و آذربایجانى قویوب، قاجمیش ایری ملکه دارلارین املاکی مصادره اولونوب، کنلی لرین اختیارینا وئرلمهسی دیر.

۱۹. کندلی لر فلاحتی جانلان دیرماق، اکینجیلیگی آرتیرماق مقصدیله اوزون مدتلی و تزه تنزیل ایله بورج وئریمک اوچون بانک سیستمی و شرطینی ده-ییشیدیریب، اونو احتیاجی تأمین ائتمهیه قادیر بیر حالا سالماق لازیم دیر.

۲۰. بعضی ارباب لار طرفیندن تحمیل اندیلن ایش بی-رحمانه وئرگی لر گؤتورولمهسی دیر انله شرایط یاراتمالی دیر کی، کندلی اوز محصولو ایله عائله سینی اداره اندیب، انسانا لاییق اولان حیاتی قورا بیلسین.

۲۱. فلاحت ایشینی نظاما سالماق، زحمتکش کندلی نین وضعیتینی یاخشیلشدیرماق اوچون کندلرده کندلی جمعیتی یاراتمالی دیر. بو جمعیتلری کندلی لرین اؤزلی اداره ائتمهسی دیر.

۲۲. کندخدالار کندلی لرین آراسیندا سنجیلمهسی دیر.

۲۳. فلاحتی معاصر علم و صنعتین بؤیوک موفقیتلری اساسیندا قورماق اوچون دؤولت کندلی لره تراکتور و سایر فلاحت ماشین لاری ایله کؤمک ائتمهسی دیر.

۱۴. زحمتکش و یوخسوللارین اشتراکیله (فابریکلر) شرکتلر و خیردا کارخانالار یاراتماق و موجود دستگاهلار و ال کارخانالارینا کؤمک اندیب اولارین ایفلاسدان قورتولمالارینا همت صرف ائتمهسی دیر.

۱۶. صنایعین ترقی سی و تکاملونو سرعتلندیریمک، کارگرلرین وضعیتینی یاخشیلشدیرماق مقصدیله آشاغیداکی مادهلری قانون شکلینه سالماق لازیم دیر:

(آ) بوتون اولکده ۸ ساعتلیق ایش گونو تعیین اندیلمهسی و اصنافی (صنیفلری) ایشه متناسب علاوه مزد وئرلمهسی دیر. (ب) فعله، قوللوقچو و متخصصلر اوچون اجتماعی بیمه قانونو یارادیب، حیاتا کنجیرمهسی دیر.

(ج) ۱۴ یاشینا قدر اوشاقلارین ایشله دیلمهسی قاداغان اندیلمهسی دیر. ۱۴ یاشیندا ۱۸ یاشینا قدر اولان اوشاقلار اوچون ایش مدتی ۷ ساعتان آرتیق اولمامالی دیر.

(د) یتیم و احتیاجی اولان ایشدن چیخاریلیب، کوچملرده قالماسی اوچون دؤولت حسابینا خصوصی یتیم خانالار آچماق و مکتبلرده یوخسول اوشاقلارا تحصیلی داوام اندیریمک اوچون اولارا پولسوز پالتار و یئمک وئرلمهسی دیر. (ه) ۱۴ یاشیندا ۱۸ یاشینا قدر اولان اوشاقلار خصوصی صنعت مکتبلری آچیلماسی دیر. بورادا اوشاقلار گونده ۴ ساعت ایشلمکله، صنعت اؤیرنمهسی و ۴ ساعت دا اوخومالی دیر.

(ف) تنزیلکله خصوصی زحمت قانونو وضع اندیلمهسی دیر. (گ) بوتون کارگرلر و مستخدملرین (کادر) حقوقلاری محفوظ اولماق شرطیله هفته بیر دفعه استراحت گونو، آزادلیق گونلری، میلی و دینی بایراملاردا استراحت و مرخصلیک (معزونییت) وئرلمهسی

(ه) حامیله آوادالار وضعی-حمه (دوغوشا) ۱ هفته قالمیش وضعی-حملدن ۱ هفته سونرایا قدر مرخصلیک وئرلمهسی دیر. بوتون حقوقلاری محفوظ اولماق شرطیله.

۱۶. خالقین منافعینی نظره آلماق شرطیله وئرگی اصولونا یئنی دن باخمالی و هر وطنداشین اقتصادی وضعیتینه و گلیرینه

آذربایجان دموکرات....

۳۰. شهرلرده و کندلرده معاریف و علم تشکیلاتلارینین سایبی آرتیریلمالی، کیتابخانالار، قراتخانالار تشکیل اندیلیملی. اهالی اوچون منتظم صورتده و پولسوز کونفرانسار وئرلیملی، علم و فرهنگ واسطهسیله خالقیمیزین اجتماعی نقصانلارینی آرادان آپارماقدان اؤترو مبارزهجه جلب ائتمهلیدیر. یئنی نسلیمیزی مهو ائلهمین تیریاکخانالار، اخلاقسوزلیق ائولری و قمارخانالار آرادان گؤتورولمهلیدیر. بوتون بو ایشلردن مقصد خالقین گؤزونو آچماق، اخلاق و معنویتی یوکسلتمهجه، اونو وطنین استقلاللی و آزادلیغینی ساخلاماق و قوروماق اوچون جدی مبارزله حاضرلاماقدان عبارتدیر.

خالق صحیه سی

خالقین ساغلاملیغی، اونون حیات مبارزهسی اوچون مهم شرطلردندیر. بونا گؤره ده عمومون صحیه قئیدینه قالماعی آذربایجان دموکرات فیرقهسی بؤیوک مسئلهلردن بیلیر. او خصوصدا آشاعی داکی تدبیرلرین حیاتا کئچیریلیمهسینی طلب اندیر.

۳۱. مؤوجود ناخوشلوقلاری ساغالتماق کافی دئییل. امرازین قاباغینی آلماق اوچون جدی تدبیرلر گؤرمک لازیمدیر.

۳۲. کوچهلرده، بازارلاردا، انولرده ناتمیزلیگه، چیرکابا، پینتیلیگه یول وئریمه-مک اوچون تدبیرلر گؤرولمهلیدیر.

۳۳. قیزدیرما-تیتیرتمه (مالئریا) علئیهینه جدی مبارزه آپارمالی دیر. بو کیمی مرضلری تۆرمهدن سببلر آرادان قالدیریلمالی دیر. باتاقلیقلار قورودولمالی، باغلار و آغاجلارین سایبی آرتیریلمالی.

۳۴. کئچلیک، تراخوما و سایر مسری ناخوشلوقلاری آرادان قالدیرماق اوچون دؤولت جدی تدبیرلر گؤرمهلی و بو ایشه مادی و معنوی کؤمکلیک یئتیرمهلی دیر.

۳۵. اهالیه گوندملیک حیاتیندا لازیم اولان معلوماتی وئریمک اوچون کونفرانس لار تشکیل ائتمهلی، رادیو واسطهسیله خالق باشا سالمالی و بو مقصدله کیتابچالار نشر اولونمالی دیر.

۳۶. گلهجک نسلین تربیهسی اوچون شهرلرده و کندلرده کؤرپهلر و یاشلی اوشاقلارا مخصوص جمعیتلر و دؤولت حسابینا تربیه ائولری آچیلمالی دیر.

۲۴. ژاندارم و دؤولت قوللوقچولارینین اؤز مقاملاریندان سوء-استفاده اندیب، کندلیلرین وار-یوخلارینی اللریندن آلمالارینا یول وئریمه-مهلی دیر.

۲۵. آذربایجان کندلیسینی قوراقلیق و سوزولوق قورخوسوندان قورتارماق اوچون دؤولت حسابینا چئشمهلر وجوده گئیریب، آرتیزین قویولاری قازدیرماق و اونلارا چاپلار و گؤللرین سویوندان لازیمینجا استفاده ائتمک امکانی وئریمهلی، بو یوللارلا فلاهت محصولونو آرتیرمالی و کندلینین وضعیتینی یاخشیلشدیرمالی دیر.

. معاریف حاقیندا

آذربایجان دموکرات فیرقهسی ساوادسوزلیق و جهالته مبارزه ائتمک اوچون خالق معاریفی حاقیندا آشاعی داکی وظیفهلری ایرملی سورور:

۲۶. مجلسی-شورایی-میللی طرفیندن تصویب ائدیلن تعلیمات مجانی (پولسوز) و اجباری (مجبوری) سریع بیر صورتده اجراسینی طلب اندیریک.

۲۷. آنا دیلی، میللی مدنیتین ترقیسی اوچون قدرتلی بیر واسطه دیر. اونا گؤره ده بالالاریمیز بیلاتأخیر ایستر دؤولتی و ایسترسه خصوصی مدرسهلرده اؤز آنا دیلیمیزده تدریس ائتمهلی دیر. بونون اوچون بیلاتأخیر درس کیتابلاری و سایر تدریس لوازماتی حاضرلاماق لازیمدیر. آذربایجاندا یاشایان باشقا میللتلر کوردلر و آسوریلرین ده اؤز آنا دیلینده مدرسه آچماق حاق و اختیار ایله فیرقه میز کامیلا موافق دیر.

۲۸. یاشلیلاری ساوادلاندریماق و اونلارا معین و خصوصی بیلیک وئریمک اوچون بوتون شهر و کندلرده آیریجا مکتبلر و صنعت ائولری آچیلیمیش دیر. بو مکتبلرده مادی سهولت و تحصیل شرایطی یاراتماق و اونلاری معلم جهتدن تأمین ائتمک اوچون خصوصی تدبیرلر گؤرمک لازیمدیر.

۲۹. ابتدای مکتببن توتوموش آلی مکتبه قدر بوتون درس کیتابلاری و (تدریس) برنامهلرینه (پروگراملارینا) یئنی دن باخمالی، استبداد، و ظلم تبلیغ ائدن سؤزلر نه وارسا اونلاردان چیخاریلیب، آتیماسی و تزه نسلی دموکراسی و آزادی خواه روحدا تربیه ائتمک اوچون تزه درس کیتابلاری و برنامهلر یارادیلمالی دیر.

ادبیات، اینجه-صنعت، مطبوعات

خالق‌لاری اجتماعی تشکیلاتلار و دولت ادارملرینده میلی

دیلر مانعه-سیز اولاراق ایشلدیلمه‌لی‌دیر. محاکمه ایشلری
۴۵. رضا شاه دؤورونده هقابازلایق و زورلا کنچیریلیمیش
بوتون ارتجاعی قانون‌لار لغو اندیلیب، اونون عوضینده
آزادلیق و دئموکراتلیغا اویغون قانونلار وضع اندیلمه‌لی،
قاضی‌لرین استقلالی قطعی صورته تأمین اولونمالی‌دیر.
شهربانی و ژاندارم مأمورلارینین اجتماعی ایشلره
قاریشمالارینا جدی سون قویولمالی‌دیر

۴۶. محکمهلر هر جور تضییق‌دن آزاد اولمالی و آنجاق عدالت
و حاقا آرخالانمالی، سیاسی و مطبوعات محکمه‌سی هئیت
(منسیفه) حضورو ایله اجرا اندیمه‌لی‌دیر. محکمهلرده ایشلر
چوخ سریع بیر صورته انجام ونریلیب، متهپملری بیلاتکلیف
ساخلاماق جرم محسوب اولونمالی‌دیر. محکمه و مدعی
العمومون رسمی امری اولمادان هنج بیر کسین ائوینه گیریب،
تفتیش ائتمک اولماز. شهربانی و ژاندارم معزنون اولدوغو
اشخاص انضباط تریقیله ۲۴ ساعتان آرتیق توقیفده ساخلایا
بیلمز. گناهسیز حبس و توقیف‌لر جرم حساب اولونوب، اونا
مرتکیب اولانلار جزالانمالی‌دیر.

۴۷. کنچن جنایتکارلاری محکمه‌یه جلب ائدیپ و اولارین ۲۴
ایللیک حساب‌ارینا یئتیشیب، جرم‌لری اثبات اندیلرسه، فورا
جزالانمالی‌دیر. ارتش (اوردو) حاقیندا
۴۸. ارتشین اصلاحی و اونون دئموکراتیک اولکمه‌یه لاییق بیر
ارتش کیمی اداره اولونان مناسب بیر وضعه سالینماسی،
همچنین نظام وظیفه قانونو خالق نفینه ده-بیشیلمه‌سی لازیم‌دیر.
۴۹. آذربایجانین تاریخی یادیگارلارینی حفظ ائتمک اوچون
میلی بیر موزئی وجودا گتیرمک لازیم‌دیر.

۳۷. خالقین معنوی، روحی قیداسی اولان ادبیات و صنایع
ظریفه‌نین ترقی‌سی اوچون هر بیر شرایطی یاراتماق
لازیم‌دیر. بو مقصدله تبریزده آذربایجان یازیچیلاری و
هنرورلر جمعیتی تشکیل اولونمالی‌دیر. بو جمعیت‌لرین
آذربایجانین باشقا شهرلرینده و کندلرینده شعبه‌لری اولمالی‌دیر.
۳۸. یازیچی و هنر صاحب‌لرینین زحمت و نظاما سالان
یارادیجیلیق حقوقونو تأمین ائتمک اوچون دولت بودجه‌سیندن
کافی مقداردا کؤمک تخصیص اندیلمه‌لی، هنرورلرین وجودا
گتیردیگی اثرلرده پاداش ونریلمه‌لی‌دیر.

۳۹. نقاشلیق، مجسمه-سازلیق و موسیقی ساحه‌سینده
آذربایجان خالق یارادیجیلارینین ابدی صنعت‌لرینی ساخلاماق
مقصدیله دولت طرفیندن موسسیسه‌لر و کارگاهلار وجوده
گتیرمه‌لی و اوستادلارین علی‌نین آلتیندا استنادلی جاوانلار
صنعت اویرنمه‌لی‌دیر.

۴۰. آذربایجان دیلینده کیتاب نشرینه مانع اولان آداملار وطن
خاننی و خالق دوشمنی کیمی مسئولیته آیینمالی‌دیر.

۴۱. معلم‌لرین، دولت ایدارملرینده ایشله‌مین خیردا مأمورلارین
معاشینی تأمین ائتمه‌لی‌دیر.

۴۲. تناترین بؤیوک اجتماعی تربیه اوجاغی اولدوغونو نظره
آلاراق، تبریز و باشقا آذربایجان شهرلرینده اولان تناترلارین
مخاریجی (خرج‌لری) دولت طرفیندن تأمین اندیلمه‌لی‌دیر.

میلی مسئله

۴۳. ایران مملکتی‌نین داخیلینده یاشایان هر بیر میللتین داخیلی
مختاریت و اوز مقدراتی تعیین ائتمک حقوقو ایالت و ویلایت
انجومنلری واسطه‌سی ایله تأمین اندیلمه‌لی‌دیر.

۴۴. آذربایجانلیلار کیمی خصوصیته مالیک اولان ایران

فرقه دموکرات آذربایجان پروسه‌های منطقه‌ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی‌های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می‌دهد.

پیشه‌وری



تارینل امید

یاشاسین دمکراتیک،
موسستقیل آذربایجان!"

بو شعاردا بو سؤزله،
تبریز دالغالانیردی.
قدیم بیر مملکتده
انقلاب اویانیردی.

میلت دالغالی دنیز،
فیر تینایا بند ایدی.
آرتیق بوتون نولکه‌میز،
بیرلشمیش بیر کند ایدی.

تبریزی بنله گوروب،
شاه تلاشا دوشموشدو.
اورمینی رام اندن،
والیله گوروشموشدو.

شاهین فرمانی واردی،
یاتیریلسین ایغتیشاش.
اورمییه‌نین والی‌سی
جناب مهدی فرروخی
تبریزه گنتسین بیرباش!...

پیشه وری، دوستلاری...
گیزلیجه دیندیریلسین.
ایپه - ساپا یاتمایان
قوللاری زنجیرلنیب،
تهرانا گوندیریلسین.

مهدی فرروخی گلیب،
تبریزه دوشن زمان.
حالی اولور پریشان
فدایدی هر اینسان.

ینتمیش پیله کان

۲۱ آذر حرکتی نین ۷۰- جی ایلدؤنومونه

(پونما)

ندیر سینمدکی چاغلایان جوشان
ندیر قلبیندکی گوجلو چاغیریش؟
منیم کنچیشمدی بو آشیب- داشان،
باهاری سوولموش، سرت قیشی قالمیش.

آدیلا باغلیدیر آتا، بابامین،
طالئی قادالی یوللاردا ایتیب.
گلجک ایستین کنچیش زامانین،
یئرینده اینسان یوخ، قانقالار بیٹیپ.

خالقیمین باشینا گلن بلالار،
دیشیب آدینی خئیبرده، شرده.
آزادلیق ایستین بو بینوالار،
آزادلیق سؤزونو دنمییب بیر ده.

آزادلیق - الیمده آچیلان توفنگ،
آزادلیق - تۆکولن قاندى، قاداتی.
آزادلیق تورونا دوشن هورومچک،
آزادلیق توروندان هنج قورتارمادی.

بلکه سوال وئریم نوزوم- نوزومه؟
یوردومدا یاشاییب، اکیب- بیچیردیم.
بیردن نه گوروندو سنین گورونه؟
دوغمانی، قوهومو نیه ایتردیم؟

سن نیه سوسادین، سن نیه اویدون؟
نیه آغلار قویدون یازیق آنانی؟
خوشبختلیک قوشونو نیه اوچوردون؟
اوچوردون قوردوغون ائلی، اوبانی.

وطن جازیبه سی عمردن باها،
یاتا بیلیمیرم سنین سسیندن.
منیم طالئییمی دانیشما داها
نوزوم دانیشارام، سنین اوزیندن!

۱۲- سی شهریور...

تاریخه دوشن آندیم.
گونشه هسرت قالان،
گونئی آذربایجانیم!

سن بو گوجو، قودرتی
پیشه وریدن آدین.
قونچه سی آچیلمایان،
گولشن آذربایجانیم!

ستتارخان سیز قالان یورد،
خیابانیسیز نولکه.
پیشه ری ینتیردی،
آزادلیغا قول چکه.

۲۱ آذر قلبه چالیر،
کندلی لره تورپاق
پایلانیر.
هر بیر میللتدن اولان
برابر آز ادلیق آلیر.

تبریزده آچیلیر،
فلارمونیا.
گله هر کس، بوردا
چالا، اوینایا.

سهنهده ساز چالیر،
حسین جاوان
وطنیم ایندی سن
خوشبخت اولموسان.

گلیر روبابه‌نین
پاینقلی سسی.
آز ادلیق تشنه‌سی،
“قارا گیله‌سی”.

نوز دبلینده اوخویور،
شعرین مدینه گولگون.
چوخ خوشبختم، آی انلر،
منده بو گونو گوردوم.

محمد بیریا،
آزراوغلو دا.
علی توده ایله
گیریر قول- قولاً.

آز ادلیق آلمیشام
من بیر یاشیمدان.
سنوینجدن پاپاغیم
دوشوب باشیمدان.
* * *

اوتوب کئچدی پاییز،
گلدی قارلی قیش،
آماندا وئرمیر،
چولده قار، یاغیش.

دامدا گیزلنیب،
تویوق - جوجه‌لر.
تولکولر گزیر
اوزون گنجه لر.

پیه ده، واللله،
آت دا کیشنییر.
سامانی بوخدور،
کیشمیش ایسته بیر.

اودور، اعتراض اندیر،
او، تبریزده قالماغا.
نوزو تهرانا گندیر،
شاهی باشا سالماغا.

مخفی مکتوب یازیلیر،
ژنرال دنرخشانییه.
پیشه وری‌نی توتوب،
تهویل وئرسین والیه!

آرادان گوتورولسون،
داغیلسین بو ایستنه‌کام.
قوی آیاغا قالخماسین
میللتی - آذربایجان!

مکتوب علی اکبر دنرخشانییه
باش کومان‌دانا چاتیر.
ژنرالین بیره بش
نیگار انچی‌لیغی آرتیر.

ژنرال دنیر: “آغالار،
ایران گربین‌دکی شیر،
آذربایجانی
تمسیل اندیر”.

“بورا آذربایجان‌دی،
دقتلی اولماق لازیمدیر!
ایران گربینده اولان
تاجی، قیلنجی ساخلائان
شیردیر!
بونون معناسی بیردیر!”

شیر هیه‌جانلانس،
حرکت انتسه...
قارش‌سینی آلماق
چتین اولاجاق،
قیلنج یئره دوشه‌جک

تاج یئرده قالاجاق!
آذربایجان!
بیر قدیم قالادیر کی،
داغیلماز.

آذربایجاندا قیرغینا
یول وئرمک اولماز!

یننه یوکسلیر آزان،
دسته- دسته دوزلنیر.
یننه قایناییر قازان
فرروخی لنتلنیر.

لاپ قورشاغاجان
چېخیب چۆلدە قار.
پورغانین آلتینا
گیریب اوشاقلار.

بو ائل بئله دی،
بو چۆل بئله دی.
بیر ده گۆرورسن
اینک مله دی.

دور اونا سو وئر،
اونا سامان وئر.
- ای قیز، بیر دایان
اوغول، امان وئر.

چووال دا بوشدو،
اون دا قورتاردی.
پنندیر-لاواشی
پیشیک آپاردی.

کندلی نین ایشی،
پنشه سی بودور.
گنجه لر چکیر،
گوندوز اونودور.

بئله بیر گنجه،
ایتلر هوروشور.
قارلی قیش گونو
قاچاقچ دوشور.

داغلیر تیفاق،
آراز دا باری.
چوخو اوز توتور
آراز ساری.
قالیر دوغما ائو،
قالیر دوغما ائل!
قاچقینلیق، واللاه!
باشماق دنییل!
* * *

اهردن گلن کیشی،
یوز آتلیدان بیرین.
نه تنز قورپته دوشون،
دوش آتیندان یبری سن!

الترین بوزا دؤنوب،
قیش گونو چوخ آیازدی.
گۆز - قاشین سۆزه دونوب
قورخما، آراز دایازدی.

آراز توکولنلر،
آرازدا دا ایتدیلر.
وطن دنیه آغلاب.
چینار کیمی بیتدیلر.

تک سیزدن دئمیرم من،
بیر نسیلدن دئییرم.
چۆرک ده یئمیرم من،
ئوز صبری می یئییرم.

نه تنز آچدین،
نه تنز سولدون،
قار اداغیم!
قار اباغیم!

ایکی دفعه قاچقین
اولدوم.
قار اداغیم!
قار اباغیم!
* * *

جمی مندن،
۱۵ - جه باش بویوکدو،
آنام منیم.
باشدان آباغا
باپاتیدی، اویوددو،
آنام منیم.

سورمه چکیب
قوربتینه
گوزویله.
درلرینی
گول - چیچکله
بولوشوب.
بالاسینی
قاچیراندا
نوزویله،
اتی ده
کول - کوسلارا ایلیشیب.

آنام ائله وطن دئییر،
آیریلیغا دوشندن.
وطن نجه شیرین ایمیش،
من دوشوشم گوزوندن.

من دوزورم آیریلیغا،
آنام ایسه دوزمه بیر.
اومیدی من اوزموشم.
آنام ایسه اوزمه بیر.

گونده یوز یول خوشلاییرام
گونده یوز یول اؤپورم.
ائله بیل کی، قاباغیندا
اوغول دنییل، شکلم.

۷۰ ایلدیر آنام منه،
من آناما باخیرام.
۷۰ ایلدیر پیله لری
آنام ایله قالخیرام.

۷۰ ایلدیر قورتارماپیر،
قورتارماپیر پیله لر.
قولاغیمدا بووا قوروب
قورغوشونلو گوله لر.

سون

نگاهی به تحولات سیاسی - اجتماعی ایران پس از جنگ جهانی دوم و زمینه های تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان

مردم به حق قانونی خود برسند و امنیت و آرامش به کشور باز گردد».

اما انتخابات بر خلاف وعده های داده شده، با دخالت و دسیسه چینی عوامل امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی روبرو شد. مهره های از قبل تعیین شده که مخالف سرسخت تحولات اجتماعی بودند، وارد مجلس شدند. تنها عده ای محدود تأمینده، آنهم از شهرستان های بزرگ بطور واقعی منخب مردم بودند. از آن میان می توان از سید جعفر پیشه وری نام برد که بعنوان نماینده اول تبریز به مجلس راه یافت.

با این حال اعتبارنامه پیشه وری از طرف نمایندگان ارتجاعی که در مجلس چهاردهم لانه کرده بودند، رد شد. او در این باره می گوید: «می دانستم که آب من و خانثانی که کرسی های مجلس را اشغال کرده اند به یک جوی نخواهد رفت و احساس می کردم که این راهزنان به این آسانی راضی نخواهند شد که من میانشان باشم. از این نظر، با استفاده از فرصت حرفه هایم را زدم. احتیاجات 16 هزار آذربایجانی را که مرا انتخاب کرده و به مجلس فرستاده بودند گفتم. حرفه هایم را با دقت بسیار و با سکوتی عمیق گوش کردند و تأیید کردند. ولی این تأییدها، غیر از پرده ای سیاه برای استتار خیانت هایشان چیز دیگری نبود. به محض آنکه فرصت دستشان افتاد پیش خود گفتند: «مثل اینکه این آذربایجانی از آنهایی نیست که سر جایش بنشیند، باید از اینجا دورش کرد.» و با پستی ای که در شأن روبه هاست با اعتبارنامه من مخالفت کردند. با اینهمه مایوس نشدم و با کمک آزادیخواهانی که حول جبهه آزادی گرد آمده بودند، مبارزه را شروع کردیم. افسوس که مقالات آتشین و جملات شدید [الحن] ما بی تأثیر و بی پاسخ ماند. تهران تکان خورد، ولی به سمت ارتجاع، ولی به سمت پایمال کردن حقوق خلق ها...

پیشه وری برای ادامه مبارزه به تبریز بر می گردد تا با هم فکری روشنفکران، روزنامه نگاران، متعمدین محل و انقلابیون با سابقه، تشکیلات سیاسی مناسبی پایه گذاری کند. به این نتیجه رسیده بود که با نیروی خلق آذربایجان می توان حکومت ملی بوجود آورد. و با اصلاح و ترقی آذربایجان می توان موجب ترقی ایران شد. بدین وسیله میهن را از دست قلدرها و مرتجعین نجات داد.

بدین ترتیب روز دوشنبه 12 شهریور 1324 پیش نویس بیانیه (مراجعت نامه) با هم فکری ده نفر به رهبری پیشه وری به دو زبان آذربایجانی و فارسی تنظیم شد. این پیش نویس با استقبال فراوانی از طرف شخصیت های برجسته و تأثیر گذار روبرو گردید. در اندک مدتی امضاءهای پای بیانیه نزدیک به پنجاه نفر رسید. نخستین شماره روزنامه آذربایجان پر است از تقاضای عضویت و اعلام حمایت هزاران نفر از اهالی آذربایجان از بیانیه. در پی استقبال بی نظیر مردم، اعلام شد افرادی که تا ۲۲ شهریور بیانیه را امضاء کند، جزء موسسین فرقه محسوب می شوند. بدین ترتیب نزدیک به هزار نفر بیانیه را امضاء کردند. در واقع امر موسسین فرقه دمکرات آذربایجان نزدیک به هزار نفر می باشند. بعدها با پیوستن اعضای حزب توده ایران در آذربایجان که بیش از ۶۰ هزار نفر بودند، و همچنین استقبال گروه های اجتماعی شهر و

جنبش ۲۱ آذر حادثه بزرگی در تاریخ کشور ما به حساب می آید. این رویداد تاریخی می توانست به یک تحول بزرگ اجتماعی در کشور بدل شود. می توانست به عقب ماندگی های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ایران پایان دهد. تاریخ یکصد ساله اخیر ایران سرشار از مبارزه، جانفشانی و از خود گذشتگی مردم ایران بویژه مردم غیور آذربایجان برای رسیدن به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی می باشد. و در این راه قربانی های زیادی داده اند. تلاش و مبارزات مردم در مقاطعی از تاریخ دولت های ارتجاعی و خودکامه را به عقب نشینی واداشته است. جنبش های اجتماعی و انقلابات سالهای اخیر نتیجه کوشش و تلاش همین مردم برای برون رفت از شرایط موجود و زندگی بهتر و انسانی تر بوده است. جان سختی نیروهای واپسگر برای حفظ شرایط موجود، که از حمایت های بیدریغ کشور های امپریالیستی نیز بهره می بردند، باعث گردید تا نهایت مردم به خواسته های خود نرسند.

کشور ایران تا اوایل قرن بیستم منطقه نفوذ روسیه تزاری و انگلیس بود. شمال و شمال غربی زیر نفوذ روسیه و جنوب تحت نفوذ انگلیسی ها به سر می برد. دولت ها یکی پس از دیگری دست نشانده یکی این قدرت ها می شدند. قرن بیست و یکم انقلابات بود. انقلاب روسیه در اوایل این قرن چهره جهان را تغییر داد. در ایران نیز انقلاب مشروطیت و انقلابات بعدی حاکمیت های ارتجاعی را یا سرنگون و یا وادار به عقب نشینی می کرد. اما به دلایل عقب ماندگی جامعه، این دستاوردها خیلی دوام نداشت.

. جنگ جهانی دوم براحتی از کنار ایران نگذشت. متفقین به ایران نیرو فرستادند. رضا شاه که با قدرت گیری فاشیسم از بریتانیا بریده و متحد آلمانها شده بود، مجبور به ترک کشور شد. پسرش به سلطنت رسید. دولت مرکزی مانند گذشته تحت نفوذ انگلیس و بعداً آمریکا قرار گرفت. در شمال و شمال غربی ایران شرایط طور دیگری بود. مردم این قسمت از کشور بدلائل گوناگون از جمله تأثیر پذیری اشان از تحولات سیاسی و اجتماعی اروپا به خاطر نزدیکی با آن نسبت به جاهای دیگر کشور رادیکالتر بودند. انقلاب مشروطیت، جنبش خیابانی و جنبش جنگل را می توان نمونه بارز آن دانست.

شرایط جهانی پس از جنگ و از هم پاشیدگی دولت مرکزی، فضای نسبتاً مناسبی برای فعالیت زحمتکشان و نیروهای مترقی و ملی بوجود آورد. زندانیان سیاسی از زندان ها آزاد و تبعید شدگان به شهر و دیار خود برگشتند. شرایط برای تشکیل و گسترش فعالیت سازمان های سیاسی و اجتماعی مهیا گردید. سازمان های سیاسی ترقیخواه مورد اقبال گروه های اجتماعی از جمله کارگران و زحمتکشان، دهقانان، دانشجویان، روشنفکران، فرهنگیان، هنرمندان و ... قرار گرفتند.

از سویی دیگر کلیه توجهات به مجلس و انتخابات آن دوخته شده بود. مجلس چهاردهم اولین مجلس پس از یک دوره دیکتاتوری و خفقان بود و می توانست با تصویب قوانین مترقی نقش موثری در سرنوشت کشور بازی کند.

پس از کشمکش های فراوان، سرانجام دولت سهیلی در تیرماه 1322 فرمان انتخابات را صادر و قول داد که «انتخابات کاملاً آزاد و نمایندگان با رای واقعی مردم انتخاب می شوند. تا

نگاهی به تحولات سیاسی - اجتماعی....

رسید بلاعوض تقسیم شد. برای کمک به دهقانان و شبانان "بانک فلاح" و "شرکت ماشین های آبیاری و کشاورزی" تاسیس شد. برای الغای مناسبات غیر عادلانه میان عشایر اقدام گردید. قانون کار دموکراتیک تصویب و پیاده شد. کارخانه ها با نظارت کارگران به کار انداخته شد و تعداد زیادی موسسات صنعتی تازه بنا گردید. اعلام زبان آذربایجانی بموازات زبان فارسی، بعنوان زبان رسمی، برای گسترش آموزش و پرورش و مبارزه با بیسوادی شرایط مناسب فراهم کرد. تاسیس دانشگاه، توسعه مطبوعات و تاسیس رادیو به پیشرفت فرهنگ، ادبیات و هنر کمک بسزائی می کرد. "چاپخانه معارف" و "چاپخانه آذربایجان" تاسیس شد. "جمعیت شاعران و ادیبان آذربایجان"، "اداره هنرهای زیبا"، "تئاتر دولتی"، "ارکستر ملی و فیلارمونی آذربایجان" احداث گردید. شبکه بهداشت همگانی پی ریزی شد. تنظیم اموربازرگانی زیر نظر ارگانهای حکومت ملی از هرج و مرج بازار و گرانی قیمت ها جلوگیری می کرد.

تمرکز امور بانکی مالیه آذربایجان را سروسامان می بخشید. مردم خود تحت رهبری سازمان های فرقه بکارهای عمرانی در شهرها و قصبات و روستاها می پرداختند. برای اولین بار در تاریخ ایران زنان نیز با حق برابر در انتخابات مجلس ملی شرکت کردند. تحکیم سازمان های فدائی برای حفظ امنیت آذربایجان و پی ریزی ارتش ملی یکی دیگر از اقدامات مهم حکومت ملی بود.

به اعتقاد بسیاری از محققین غربی "دولت خود مختار آذربایجان در عرض یکسال بیش از ۲۰ سال دوران سلطنت رضا شاه اصلاحات بعمل آورده است". و درست بهمین علت، می توانست نمونه خوبی برای همه خلق های کشور برای رسیدن به آزادی و ترقی و حقوق ملی باشد.

به همین خاطر جنبش دموکراتیک و رهائی بخش ۲۱ آذر، خشم و غضب حیوانی امپریالیسم و رژیم سلطنتی دست نشانده آن را برانگیخت. با تمام قوا اقدام به سرکوب خونین این جنبش کرد. نتیجه این سرکوب، کشت و کشتار مردم آذربایجان، نابودی دستاوردهای حکومت ملی، عقب ماندگی کشور از غافله پیشرفت و ترقی جهانی و استقرار طولانی مدت حکومت استبدادی بود.

روستا به تشکیلات، فرقه دمکرات آذربایجان به یک سازمان سیاسی قدرتمند محلی تبدیل شد. امیرعلی لاهرودی صدر پیشین فرقه در مورد استقبال آذربایجانی ها از تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان چنین می گوید: "واکنش مردم بسیار خوب بود. شور و شوق مردم در دفاع از تشکیل فرقه بی نظیر بود. کمتر از یک هفته از انتشار بیانیه نگذشته بود که هزاران نسخه از آن در شهرها و دورترین روستاهای آذربایجان دست بدست می گشت. روستاییان بی سواد جمع می شدند تا یک نفر محتوای بیانیه را برایشان بازگو کند. من خود شاهد این جنب و جوش بودم. مردم آذربایجان چند بار برای رسیدن به حقوق واقعی خود قیام کرده بودند. تجربه کافی در این راه را داشتند. از انقلاب مشروطه و جنبش خیابانی کمتر از چهاردهه گذشته بود. افکار، ایده ها و آرمان های جنبش های قبلی هنوز در ذهن مردم زنده بود و حتی بودند افرادی که در جنبش های قبلی شرکت داشتند. جنبش ۲۱ آذر بر پایه جنبش های قبل از خود استوار بود. حرکتی نبود که یک شبه بوجود آید. البته نقش سید جعفر پیشه وری را نباید نادیده گرفت. او تجربه بالایی داشت. نسبت به مسائل و مشکلات ایران بخصوص آذربایجان شناخت کافی داشت."

کنگره خلق آذربایجان ۳۰- ۲۹ آبان ماه ۱۳۲۴ در تبریز خود را مجلس موسسان اعلام داشت و تصمیم گرفت مجلس ملی آذربایجان را تاسیس نماید. مردم آذربایجان از راه انتخابات آزاد و دموکراتیک نمایندگان خود را از میان همه طبقات و اقشارمیهن دوست، مترقی و آزادیخواه انتخاب کردند. ۲۱ آذر مجلس ملی گشایش یافت و به پیشه وری بعنوان صدر فرقه دمکرات آذربایجان، مأموریت داد حکومت ملی را تشکیل دهد. فرماندهان پادگان نظامی دولت مرکزی در تبریز در مقابل خواست مردم تسلیم و طبق موافقتنامه خلع سلاح شدند.

حکومت ملی یک ردیف اصلاحات بنیادی را در آذربایجان شروع کرد: اراضی خالصه، همچنین املاک فنودال ها و ملاک های بزرگ وابسته که به نهضت خیانت کرده بودند بین روستائیان بی بضاعت که تعدادشان به یک میلیون خانواری